



۶۹

دو نوشته از "ناصر پاکدامن" :

۱. (با "کوچک اصفهانی") : کاشان ، قزوین ، همدان در صد سال پیش ؛

۲. گفتار سیاسی خمینی : حزب الله رحمت ، رحمت و معرفت الله





الفبا

xalvat.com

بد همت

علامه محسن ساعدی

دورهٔ جدید - جلد اول

رسمان ۱۳۶۱ شمسی

حق اشتراک در فرانسه :

اشتراک دانشجویی : برای چهار شماره صد و بیست فرانک

اشتراک عادی : برای چهار شماره صد و پنجاه فرانک

اشتراک همت عالی : حداقل پانصد فرانک

به حق اشتراک مشترکان دیگر کشورها ، مبالغ زیر بابت هزینه‌های پستی افزوده می‌گردد :

کشورهای اروپای غربی : معادل بیست فرانک فرانسه

ایالات متحده آمریکا و کانادا : معادل سی فرانک فرانسه

حق اشتراک خود را به حساب زیر واریز نمایید :

GH. SAEDI

00150033326

SOCIETE GENERALE

AW Porte Maillot

136, Ave. de Malakoff - 75016 PARIS

مراسلات و فنوکیبی رسید بانکی را به آدرس زیر ارسال دارید :

GH. SAEDI

KETABE - ALEFBA

B.P. 215-07

75327 PARIS CEDEX 07



۱	غلامحسین ساعدی	فرهنگ‌کشی و هنرزدائی در جمهوری اسلامی
۸	بابک بامدادان	امناع تفکر در فرهنگ دینی
۲۵	علی شیرازی	راه رشد غیر سرمایه‌داری کاشان ، قزوین ، همدان ، در صد سال پیش
۶۳	ناصر پاکدامن و کوچک‌اصفهانی	دولت و توسعه نیافتگی
۷۸	ستار آذر مینا	ملانصرالدین و ملاخسرالدین
۸۷	الف - رحیم	دیوانه‌ها
۹۲	جلیل محمدقلی زاده	آرام حیوان ، آرام !
۱۱۱	حمید صدر	سه‌گانه :
	غلامحسین ساعدی	تلخ‌آید
۱۱۶		جاروکش سقف آسمان
۱۲۲		سفره گسترده رسوم نهفته
۱۳۷		چگونه وانگ‌فو نجات یافت
۱۴۶	م . بیورستا	فقط یک راه باقیست
۱۵۲	و . بورشرت	نمایش نظام کهن نونما
۱۵۵	ج . ن	زایمان بزرگ بابل
۱۵۵	ج . ن	یادی از حمید عنایت
۱۵۶	م . ه. کاتوزیان	نامه - گزارش - گزارش‌نامه
۱۵۸		



ناصر پاکدامن

و

کریک اسفهانلی

کاشان در قرن نوزدهم و بیستم. نگاهی به روایت‌های پیشین.

نزدیک صد سال بین حکام ایران به ما موران خود در ولایات و ایالات "ممالک محروسه" دستور دادند تا هر یک به شورش بغداد نفوس ولایت ما ایالت خود اقدام کنند. بدرستی دانسته نیست که از این "دستورات و اوامر حیاط‌مطاع" ما چه اندازه و در چه مناطق و آنچم به چه سکنی اطاعت شده است. آنچه هست اینست که اکنون حاصل این "سرشماریها" در برخی از مجموعه‌های خطی وجود دارد. برجسته‌ترین این مجموعه‌ها، همت مجلد "مجموعه ناصری" در کتابخانه کلسان است. سالها پیش، ایرج افشار فهرستی از محمودیات این مجموعه را در فرهنگ ایران زمین ج ۱، ص ۱۳۳۷، ۱۳۴۷-۱۳۴۸ انتشار داد. جمع‌آوری، استخراج و معرفی نتایج این سرشماریها می‌تواند اطلاعات گرانبایی را از جمعیت، جامعه و اقتصاد شهرها و نواحی مختلف ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم در اختیار ما بگذارد. در این مختصر، نتایج سرشماری کاشان، قزوین و همدان ارائه می‌گردد. سندها دستنویس این سرشماریها در مجموعه ناصری ضبط است.

xalvat.com

کاشان (۱۲۵۸ شمسی / ۱۲۹۶ قمری / ۱۸۷۹ میلادی)

شمارش نفوس کاشان در سه توشعان نیل (۱۲۵۸ شمسی) مطابق سه ۱۲۹۶ قمری انجام یافته است و به این مناسبت "حالات و کیفیات بلده و شوکات و مزارع دارالبوئمن کاشان... حسب الامر اصنای دولت... و فرمایش جناب اعضاده الدوله مفضلاً" قلمی شده است. در پایان نسخه، بویسده نامکدی می‌کند که "حسب الحکم جناب جلالتعالی... آقای اعضاده الدوله کتاب احوالات کاشان قلمی کردند. امید به نظر مرحمت ملاحظه نموده جسم از اغلاط فاعده" او بیوند و کار دلگ به تاریخ ۲۹ شهر رمضان المبارک هذه السنه نوشنان نیل خبریت دلیل مطابق سه ۱۲۹۶ قمری... در آغاز این نسخه، نویسنده شرحی در تاریخ کاشان می‌نویسد که از این شرح آنچه را حاوی اطلاعاتی درباره شهر کاشان در ایام بویسده است نقل می‌کنیم: ارقام سرشماری، ارجاع به ورنچای نسخه خطی است):

۱- وضع طبیعی

"اولاً معروض می‌دارد که شیر کاشان از ولایات مسجده اسلام است... در بیان دارالسلطنه اصحجان و دارالایمان هم واقع است... شهری است آراسه و برآسه حیاطچه در السه و افواه شهر به تروس عراق است. اگر چه به حسب طول و عرضی کمتر از دارالایمان تم است لکن در آبادی و جمعیت بهتر و بیشتر از تم است حیاطچه نفوس بلده و بلوکات آنجا دو برابر شهر و شوکات هم می‌باشد.

هوای آنجا نیل به گرمی دارد چنانچه غله آنجا را در حیل روز از عهد سورور سلطانی حصادت می‌یابد.

"... در عهد سلطنت جافان حلد آشیان فتحعلی شاه قاجار که حیل سال اجالی ایران در نجد این و امان آسوده بودند اهالی کاشان بقدر وسع و طاعت خود در آبادی گوسیدند. در میری مرحوم میرور آقا بابا مستوفی آشیانی میری شده این مالیات مفرود را بر آنها وارد آورده تا آنکه اکثری از طبایفه غفاری که رئیس آنها مرحوم فرخ خان اسن الدوله بود در سلک حاکمان دربار معدلت مدار انظام بافند از تربیت امنای دولت و راهت ملوکانه در حق آن جاعب، کاشان و نواحی آنک رومه رضوان شد. اکثری از سلاطین و کور را آباد ساختند و بعضی را نحر در صدد آبادی برآمدند که



مزارع جدیدالسنق کاشان از آنهاست و بجهت مالیات جدید النفس از دربار عدالت بدار مرزا هادی مسنوفی ماهور به میزبانی شده، در بین عمل سه موت فجاءه در گذشت و این عمل به همان مالیات قدیم معمول و برقرار مانده. حالت مستغلات و تعداد نفوس و قراء گرمسیر و بیلاقات و استعدادهای آنها در تحت دفعات قلمی خواهد شد تا واضح باشد (۱۴۰، الف و ب).

خالوات.com

۲- تعداد نفوس بلده، نوابغ و بلوکات کاشان

در این نسخه، نفوس کاشان، نوابغ و بلوکات آن بدست داده شده است. نفوس کاشان از فرار خانه شماری در هذاه السد شونغان ثیل (۱۲۵۸) ذکر گردیده است و "حسب الحکم... آفای اعتقادالدوله، کذخدایان و ریش سفیدان بلده و بلوک از روی تحقیق نیت و سیاهه داده اند که از هر قریه فردا" هر اسمی آنها را داده اند" ولی "چون مفصلاً" موجب تطویل می شود "سیاه خلاصه" تعداد نفوس شهر، نوابغ و بلوکات آن ذکر شده است.

در مورد کاشان، فقط رقم نفوس کل شهر و توزیع آن بر حسب زن و مرد و اطفال ذکر گردیده است و به خلاف آنچه در خانه شمارهای دیگر دیده می شود در اینجا نه نامی از محلات شهر برده می شود و نه از جمعیت هر یک از آنها سخنی به میان می آید. بر اساس نتایج این خانه شماری، در سال ۱۲۵۸، جمعیت کاشان ۲۱۶۹۹ تن بوده است و این جمعیت در ۴۵۳۷ خانه زندگی می کرده است. نویسنده درباره جمعیت کاشان می نویسد: "به قدر ربع آنها علماء و سادات هستند که سعی از آنها سمت تحصیل و درس و بحث دارند و برخی داخل بچار و کسبه بازار هستند".

در شهر کاشان، اقلیتی یهود مذهب نیز زندگی می کرده است. بر طبق این سرشماری، شماره یهود مذهب کاشان شصت تن بوده است که در ۱۲۳ خانه زندگی می کرده اند.

پس از این به اهمیت شریافی و مسگری در کاشان آری رمان اشاره می شود و در بحث از تجهیزات شهری خواهیم دید که در این شهر، ۴۴۸ دستگاه شریافی وجود داشته است. در شهر کاشان، همچون بسیاری شهرهای آن زمان ایران، بخشی از شهرنشینان به فعالیت کشاورزی مشغول بوده اند؛ نویسنده از پنج مزرعه نام می برد که در داخل و یا در جوار باروی شهر واقع شده است و نفوس آنها "از سکنه شهر کاشان می باشد" (۱۵۰، الف). نام این مزارع چنین است: مزرعه درب فین، مزرعه آب شاه (در حوالی دروازه دولت)، مزرعه مشهور به چهار باغ، مزرعه ناجی آباد و مزرعه فیض آباد حکیم.

در نوابغ یا حومه شهر، ۸۸۸۴ تن در ۸۵۴ خانه زندگی می کنند. قسمت عمده اینان (۶۴۹۶ تن) را ساکنان قریه پشت مشهد تشکیل می دهند که نویسنده درباره آن می نویسد: "جزو شهر است در خارج بارو اتفاق افتاده جزو حومه شهر نوشته می شود" (۱۴۱، ب). پشت مشهد، چهار مسجد و پنج حمام و ۳۲ دکان دارد و زارعان بسیاری از مزارع حومه شهر را ساکنان این قریه تشکیل می دهند. نام این مزارع چنین است: صفی آباد (در حومه شهر)، زیدی، جمال آباد، صالح آباد، عیسی آباد، مراد آباد، یحیی آباد، محمد آباد، غیاث آباد و ملا حبیب (۱۵۰، الف).

علاوه بر پشت مشهد، نویسنده نفوس دو قریه و مزرعه دیگر از آبادیهای حومه شهر را جداگانه ذکر می کند. نخستین، قریه "سحر است که" در طرف اعلای شهر واقع است از طرفی که به عصر می رود" و دیگری مزرعه حسین آباد که از چشمه فین مشروب می شود (هیجانجا).

بلوکات کاشان به دو گروه قراء گرمسیر و قراء بیلاقی تقسیم شده است که قراء گرمسیر خود در سه گروه فرعی رده بندی گردیده است.

نخستین این گروههای فرعی پنج قریه اران، بیدگل، نوش آباد، علی آباد و سحر آباد جیرویه است.

در شرحی در باره قریه اران، می خوانیم: "قنات و حمام و مساجد و کاروانسرا و دکانین زیاد دارد" و در گفتگو از تجهیزات شهری و مستغلات خواهیم دید که در اران، ۱۲ مسجد، ۷ حمام و ۷۰ دکان وجود داشته است. "زارع آنجا نفی ندارد. مردم آنجا کاسب و اهل صنایع می باشد. زنها ریسانهای خوب به عمل آورده جولاهای خوب دارند. ابره قیای اران مشهور است. السجه رسانی خوب در آنجا می یافتند. به جهت علوار و اراخالق رعینی به فروش می رود. اگر چه در سالهای ۶۴



گرازی ، خیلی خانه‌ها بی ساکن دار مانده است از آن رو به آبادی آورده است که از فرار مالیات و تعداد نفوس معلوم می‌شود (۱۵۴، ب) .

در باره قریه بیدگل که "مسافت حزبی با شهر دارد" (۱۴۱-ب) نویسنده توضیح می‌دهد "در برابر قریه ازان است الا آنکه اهل ازان بردمان کودن صادقی هستند و اهل بیدگل با هوس و ذکا هستند ... در جلوی بندرینک واقع است - گرمسیر است - در سالهای گرازی به قدر هزارخانه آجا سی صاحب مانده و خراب شده است . الان اندک رو به آبادی دارد " (۱۵۸، الف) . در زمان سرشماری ، نفوس بیدگل ۳۶۹۵ تن بوده است با ۲۲۵ خانه - این قریه ۶ مسجد و ۷ حمام و ۶ دکان داشته است . غرض نویسنده از سالهای گرازی ، سالهای محضی معروف ۱۲۸۸ هجری است .

دومین گروه فرعی ، هزاره کبیر طسوح است . یکبار شماره این مزارع ۹۸ ذکر می‌شود (۱۴۶، الف) در حالیکه بار دیگر نام ۱۵۴ مزرعه در زیر این عنوان می‌آید (۱۵۵، الف) و چنین توضیح داده می‌شود که "چون مزارع مختصری است به شرح عردا" فرد او نیرداخت . همه گرمسیر است . حاصل جو و گندم و جوینک دارد . خربزه کاری و سنباکوکاری دارند . بعضی قدم‌النسب است که مالیات قدیم دارد و بعضی جدیدالنسب که در این دولت ... آباد شده و مالیات بر آنها وارد آورده‌اند . مالیات آنها نموده می‌شود تا استعداد هر یک از قریه مالیات معلوم شود که جعفر پدر و برداشت دارد " (همانجا) . از این مزارع ، ۴۸ مزرعه قدیم‌النسب و ۶۶ مزرعه جدیدالنسب است . بیش از این دیدیم که مزارع جدیدالنسب ، از جمله مزارعی هستند که "بعضی حجار" در زبان ناصرالدین‌شاه آباد کرده‌اند . سومین گروه فرعی ، فراه گرمسیر است که از بازده قریه تشکیل شده است . فیس از جمله این گروه است که سه فین علیا و فین سفلی تقسیم می‌گردد و درباره آن از جمله می‌خوانیم : "دو قریه می‌باشد که از چشمه فین منسوب می‌شود ... به قدر ده سنگ صاحبی آب دارد ... فین علیا و فین سفلی . عمارات سلطانی در فین علیا واقع است و فین سفلی عمارت و آبادی معظم دارد . و از آن آب احداث گنجه و علاوه از آن دو قریه ، بر لبحر و حسن آباد و حاجی آباد که از مزارع حومه شهرند می‌رود و از حوضخانه‌ها که بیرون می‌رود دو نهر می‌شود یکی از پشت دیوار باغ شاه گذشته وارد باغ و آسیای کلاسر می‌شود و از آنجا به باغات و طواحین جنوبی تقسیم می‌شود و نهر دیگر دارد که از حوضخانه که بیرون می‌آید که حوضخانه زنانه است ، به ستر گلوی باغ‌شاه گردش کرده داخل آسیای خونی می‌شود و از آنجا گذشته به فاصله کمی آن دو نهر بهم متصل می‌گردد و از باغات و عمارات عبور کرده تا موضع مقسم به ده جوب و نیم مقسم می‌شود و آبی در آنجا به قدر نیم جوب از چشمه دنیلی سرور می‌آید که ریاده بر دو جوی منقسم می‌شود و این قسمت از قدیم‌الایام برقرار بوده و سه قراه و مزارع تقسیم می‌شود و این آب نصف خالصه دیوایی و نصف اربابی است و نصاب قسمت آن را ۳۵۸ طاق قرار داده‌اند . هر طاقی یک روز و هر روزی ۷۵ سرجه گویند . سرجه جایی است که سه او سوراخ کوچکی دارد که آب را به او پیمایی می‌کنند و هر سن سرجه یک ساعت نجومی می‌شود از این فرار :

فین علیا	۴۵ طاق	مزرعه درب فین	۶۷ طاق
فین سفلی	۸۸ "	ونف شهر	۸ "
حسن آباد	۶۷ "	مزرعه لبحر	۴۵ "

و تقریباً "ازین آب و ملک ، ده هزار نفس از مالک و رعیت و مسافران می‌کنند (۱۵۳، الف) . آخرین گروه از فراه و بلوکات کاشان ، فراه بیلاقی است که از ۲۹ قریه تشکیل شده است . در جدول ۱ ، اطلاعات مربوط به تعداد نفوس و خانه‌های کاشان ، توابع و بلوک آن براساس سایح سرشماری ۱۲۵۸ شمسی ارائه گردیده است .

در آن زمان کل جمعیت کاشان و توابع و بلوک آن ۶۲۸۶۷ تن بوده است که ازین عده ۲۱۶۹۹ تن در شهر کاشان می‌رستند . این جمعیت به سه گروه زن ، مرد و اطفال تقسیم شده است . معیار سنجیمی "اطفال" از "عمر اطفال" معلوم نیست و چه بسا سنای این طبقه بندی ، تعریف "صغیر" و "کبیر" از نظر شرعی باشد و در اینصورت گروه "اطفال" ، دختران کمتر از نه سال و پسران کمتر از ۱۵ سال را شامل می‌گردد . و احتمالاً در این یک چنین گروه بندی است که می‌بینیم در برابر ۱۹۱۱۹ زن ، در این منطقه ۱۲۵۴۸ مرد وجود داشته است .



جدول ۱- ۲ و ۳. تعداد نفوس کاشان و نوابح و بلوک آن را در سال ۱۳۵۸ نشان می‌دهد.

خاندها	کل	طفل	مرد	زن	
۴۵۳۷	۲۱۶۹۹	۸۱۶۶	۶۴۲۲	۷۱۱۱	بلده کاشان نوابح :
۴۶۶	۶۴۹۶	۳۲۹۸	۱۵۵۸	۱۶۴۰	بنت سید
۴۵	۱۸۵	۵۲	۶۲	۷۱	لحسر
۶۵	۲۸۶	۱۱۳	۸۲	۹۱	حن آباد
۲۷۸	۱۹۱۷	۸۹۶	۵۰۱	۵۲۰	سائر بلوکاب :
۱۵۲۸	۱۳۶۶۲	۵۹۵۱	۳۶۴۵	۴۰۶۶	آران و سیدگل وغیره
۹۸	۸۹۳	۳۹۲	۳۵۸	۲۴۳	مزارع کوبر طسوج
۱۱۵۰	۷۲۸۰	۳۲۳۴	۲۰۵۲	۲۱۹۳	دهات گرمسیری
۲۵۳۶	۱۰۲۴۹	۴۰۹۸	۲۹۶۷	۳۱۸۲	دهات و فرا بیلاتی
۱۰۷۰۳	۶۳۸۶۷	۲۶۲۰۰	۱۷۵۴۸	۱۹۱۱۹	جمع کل

xalvat.com

جدول ۱- کاشان ، نوابح و بلوک (۱۳۵۸) ؛ جمعیت و تعداد خاندها

خانده	کل	طفل	مرد	زن	تقریه
۴۳۵	۳۶۹۵	۱۷۵۲	۹۲۵	۱۰۱۸	سیدگل
۵۱۲	۴۸۷۷	۲۲۴۴	۱۲۱۵	۱۴۱۸	آران
۳۷۶	۳۶۵۲	۱۳۲۹	۱۱۲۸	۱۱۹۲	بوتی آباد
۱۸۵	۸۴۴	۳۱۷	۲۴۲	۲۷۵	علی آباد معآباد
۱۲۰	۵۹۲	۲۹۹	۱۳۵	۱۵۸	نصر آباد
۳۵	۹۵	۵۵	۱۸	۲۲	ساروق
۴۵	۲۶۷	۱۱۲	۶۸	۸۷	مشکان ومحمودآباد ساردوغیره
۲۴۲	۱۱۲۸	۵۰۷	۲۹۳	۳۲۸	بزدل
۲۱۱	۱۰۲۶	۳۲۵	۳۵۶	۳۴۵	طاهر آباد
۱۲۲	۹۷۵	۴۳۰	۲۶۳	۲۸۲	راوند
۹۵	۸۱۸	۳۶۱	۲۲۲	۲۳۵	فزان
۱۱۴	۱۲۶۴	۵۸۵	۳۲۲	۳۵۶	فین سفلی
۹۷	۹۱۲	۴۶۲	۲۱۸	۲۳۱	فین علیا
۳۱	۹۸	۳۰	۳۶	۳۲	نصرآباد جیرویه
۱۸	۸۳	۳۵	۲۲	۲۶	خرمدنت
۱۳۸	۸۱۵	۳۲۲	۲۳۵	۲۴۸	ابوردآباد
۲۶۷۸	۲۱۱۴۲	۹۱۸۵	۵۶۹۸	۶۲۵۹	جمع کل

xalvat.com

مرد	زن	مرد	طفل	کل	حاجه
مصمر	۴۲۲	۴۲۵	۳۸۷	۱۲۸۴	۲۷۳
برجانان	۳۷	۳۱	۵۴	۱۲۲	۲۹
فرلان	۸۸	۷۲	۱۳۵	۲۹۵	۴۱
خشب	۶۷	۵۲	۹۶	۲۱۵	۵۳
جوه	۳۸	۳۱	۲۹	۹۸	۲۲
نوره	۸۵	۱۰۲	۱۱۱	۲۹۸	۹۸
سوزک	۲۷۲	۲۵۱	۲۲۵	۷۴۸	۲۱۵
دیفوج سده	۶۲	۵۸	۱۹۲	۳۱۲	۵۲
دمدجای سده	۶۸	۵۲	۱۲۵	۲۴۵	۴۶
ازوار سده	۷۲	۶۲	۱۲۲	۲۷۸	۴۵
سرف	۱۵۷	۱۳۲	۲۰۸	۴۹۷	۱۱۰
بادبان	۱۲	۱۸	۱۵	۴۶	۱۸
الحق آباد	۷۵	۶۶	۱۴۸	۲۸۹	۵۸
فالنهر	۴۶	۴۰	۷۲	۱۵۸	۲۹
دریجونا	۵	۸	۹	۲۲	۸
نخلج	۱۵۲	۱۸۷	۲۲۸	۵۶۷	۱۴۴
نیاسر (بدانضام ۳۳مزرعه)	۵۳۲	۴۹۲	۶۲۹	۱۶۷۳	۳۳۸
اسرک برزخ	۱۲۸	۱۱۲	۲۵۹	۴۹۹	۹۶
جوسفان	۲۱۵	۱۹۷	۱۴۲	۵۵۶	۱۷۶
حسارود	۷۸	۸۵	۹۶	۲۵۹	۷۲
علوی	۳۲	۳۷	۱۴	۸۵	۲۷
باریکرست	۳۷	۳۷	۵۴	۱۲۸	۲۹
کله	۸۷	۹۶	۱۲۴	۳۱۷	۷۶
ازراوه	۴۵	۳۵	۷۰	۱۵۰	۲۵
رهق	۹۱	۸۲	۱۵۵	۳۲۸	۷۹
ون	۳۶	۴۳	۲۱	۱۱۱	۳۴
وادهان	۶۱	۵۲	۸۱	۱۹۴	۴۸
سار	۶۸	۵۶	۸۶	۲۱۰	۴۹
نه	۶۲	۵۶	۱۴۷	۲۶۵	۴۶
جمع کل	۳۱۸۴	۲۹۶۷	۴۰۹۸	۱۰۲۴۹	۲۵۳۶

جدول ۳- کاشان ، دهات سیلاهی (۱۲۵۸) : جمعیت و تعداد خاندها

ج . ابنیه و عمارات و تخریبات شهری :

با عنوان "صنعتات" ، نویسنده اطلاعاتی از ابنیه و عمارات و تخریبات شهری کاشان و "برخی فراه حومه و تابع آن" به دست می دهد. وی می نویسد: "دارانمو؛ مس کاشان و بنت مسید و دهات حومه شهر بساز بوده. آنچه از نوارخ سالعه کاشان به دست می آید دو سد در کاشان بسیار معتبر بوده یکی سرفانی و دیگر مسگری.

در قدیم هزار و هشتاد دستگاه سرفانی بوده و مسگری هم به نوح اصما" ، جنیدی بواسطه گزایی و کساد و بعدی حکام آن دستگاه بهم حورده اکثر آنها منقرض شده ما در این دولت حاوید ۶۷



آیت بخصوصی این سنوات حکومت جناب جلالتاب امیرالامراء العظام آقای اعتضادالدوله که کارگزاران ایشان در صدد تربیت و ترویج ایشان برآمده آنچه لازم است حمایت و مدد سرمایه بود به عمل آورده این دو صنعت را رواجی تازه پیدا شده، آنها هم چنان سعی در امتیاز اجناس خود نمودند که بسیاری از نارجهای ابریشمی ایشان را نجار معتبر از پارچه فرنگ فرقی نگردانند و سایر مردم بینه جنس فرنگ می‌دانند و صنف مسگر چنان در کار خود مشهور ندهاند که چرخ کار ایشان مسینه‌آلات را از چرخ صاف و خفاف بیرون می‌آوردند و مفضی کرده که در صفا با نقره فرقی ندارد. در این اوقات حاویری ساختند بودند در مجلس جناب جلالتاب آقای اعتضادالدوله که مجلس روضه‌خوانی بود علماء بلد و اعیان شهر حاضر بودند چند نفر از علماء که به دقت ملاحظه نمودند آن ساور را نقره خیال کردند بجهت حریب صرف اوانی طلا و نقره، از مجلس برحاسته رفتند. بعد از آنکه بر آنها معلوم شد که مفوض بوده نه فضا، عذر حرکت خود را خواستند. (۱۴۱، الف و ب)

در ادامه این مبحث، نویسنده تعداد مساجد، حمامها، دکاکین، کاروانسراها، و دستگاه های شربافی و دستگاههای جولایی این منطقه را می‌شمارد. جدول ۴ بر اساس این اطلاعات تنظیم شده است. در مورد دکاکین شهر کاشان، باید گفت که این رقم شامل ۶۲۵ دکان واقع در بازار و ۲۲۰ دکان واقع در محلات شهر است. نکته دیگر اینکه از ۳۴ کاروانسرای شهر کاشان، نیمی کاروانسرای تاجر نشین بوده است و بالاخره باید گفت که این ارقام نشان می‌دهد که در زمان انجام این "خانه شماری" غالبی که در دهه‌های بعد، مهمترین صنایع دستی کاشان می‌گردد در منطقه وجودی نداشته است. در ۱۲۵۸ ابریشم بافی با اینکه دیگر رونق ایام گذشته خود را نداشته است هنوز هم مهمترین فعالیت صنعتی مردم کاشان بوده است. جایگزین شدن ابریشم بافی با قالیبافی چه سالی از سالهای آغاز قرن سیم یعنی به دنبال افزایش تقاضای خارجیان برای فرش ایرانی، صورت گرفته باشد. جدول ۴، مستغلات و تجهیزات شهر کاشان و چند قره دیگر را که نویسنده "ملاحظه شهر" (۱۴۱، ب) می‌نماید نشان می‌دهد.

xalvat.com

کاشان	پشت مشهد	بیدگل	آران	نوی‌آباد	جمع
۴۸	۴	۴	۱۲	۶	۷۶
۲۲	۵	۷	۷	۶	۴۷
۸۴۵	۳۲	۶۰	۲۰	۲۱	۱۰۴۸
۲۴	—	۱	—	—	۲۵
۴۴۸	—	—	۵۸	—	۵۰۶
—	—	—	۱۶۰	—	۱۶۰

جدول ۴ - کاشان و قره حومه (۱۲۵۸) : مستغلات و تجهیزات شهری

د. سنوات موقوفه:

پیش از این دیدیم که ۸ طاق از آب چشمه فن واقع شهر کاشان است. نویسنده در جای دیگر (۱۴۴، ب) از "سنوات موقوفه" خیرات شهر کاشان که محلات و بیوانات شهر از آنها مشروب می‌شود گفتگو می‌کند و می‌نویسد که این سنوات "بعضی تمام وقف و بعضی ملکی دارد." نام این قنات‌ها چنین است: فئات مرحوم عبدالرزاق خان کاشی، فئات مشهور به محمودآباد، فئات صاحبی، فئات نصرآباد شهره، فئات مجذب آباد مشهور به فئات معظم‌آباد، فئات دولت، فئات مرباقره، فئات فین و فئات صفی آباد.

ه. معادن کاشان:



— معدن زاج سفید در حدود فربه، ابو زیدآباد است... خاکی اسب سفیدرنگ حمل کرده به کاشان و سایر بلاد می‌برند. در عدل صباغی و اروسی دوزی به‌کار می‌رود.

— معدن لاجورد در حدود فربه، قصر، طگی سادات لاجوردی... اول کوه را کنده صلاحه نمایند و آن سنگ صلاحه کرده را در طرف بر آبی کرده خرخره کرده سنگ نه نشینند و لاجورد مخلوط به آب شود. آب را ساعتی در ظرف دیگر کنند لاجورد ته‌نشینند و آب صاف شود. آب را ریخته لاجورد را گلوله کنند و بر ولایات برده بفروشند. به‌کار نقاشان می‌خورد و ظروف را از او نقاشی می‌کنند.

— معدن العاس نامی: در بین فربه، قصر و فرا آن و قهرود است. در میان چند کوه بزرگ بیرون می‌آید. اصل آن از بنه خاکی است مانند ریواس می‌روید شاخه شاخه به قدر بند انگشت چهار ترک دارد و هشت ترک. به‌سبب آورده به اصفهان می‌برند. از قرار ششزار می‌فروشند. اسباب براق اسب است و بسیار از سر فلیانها را مظلای کرده از او به‌کار می‌برند. شفاف و برای است. در ظاهر العاس نماند. به‌کار شیشه بریدن نمی‌خورد. خطی به نیشه می‌کند.

— معدن سنگ مرمر: در میان بیابان جوشقان و فرخ آباد امین الدوله واقع است. سنگهای یک زرع طول و عرض در آنجا یافت می‌شود که سفید و صاف است " (۱۴۹ ب) .

xalvat.com

و. مال التجاره:

دیر این عنوان، نویسنده اطلاعاتی را به‌دست می‌دهد که ما را با صادرات و واردات کاشان آشنا می‌سازد. وی این مال التجاره را بر سه گروه تقسیم می‌کند:

گروه نخست: "آنچه از کاشان خارج می‌شود که گمرک دارد که از خود کاشان به عمل می‌آید":

بنه، ریمان، مسینه‌آلات ساخسه، ریزه بادام و غیره، تنباکو، مال قماش.

گروه دوم: "آنچه از خارج وارد می‌شود و گمرک می‌دهد":

از طرف اصفهان: سقط بار، خشکه‌بارنطنز، نیل، برنج، مسینه‌آلات، نیناکوی شیرازی، قماش ریسائی (گمرک ندارد)، فرش (گمرک ندارد).

از طرف قزوین و هم: برنج، زاج و آهن، گل‌رنگ، حیوانات، بنه‌دانه، روغن.

از طرف کرمانشاهان: مازوج، کنسرا، جرم، سقط بار، حیوانات.

از طرف بسزد: سقط بار، روناس، مسینه‌آلات، نیل، سقط بار شیرازی که طرف بزد می‌آورند.

از طرف خراسان: مسینه از طرف نیشابور، نرنجبین، جل و نعد اسب، اسگرک، کوله که اسباب صباغی است، بنه دانه.

از طرف رشت و بازندران: برنج، سقط بار.

از طرف قم و ساوه: دوتاب، کشمش.

گروه سوم: "اجناسی که از ولایات وارد می‌شود و خارج می‌شود و در کاشان فروش نرود":

ابریشم، گندم و جو، دوتاب، تنباکو، پنبه تور.

قزوین (۱۲۶۰ هـ.ش / ۱۲۹۹ ق. - ۱۲۸۱ هـ.ش / ۱۸۸۱ م.)

سرشماری قزوین در دوران حکومت ملک آرا، صورت گرفته است. در تیلان تیل ۱۲۹۹، کدخدای هر یک از محلات شهر، تعداد نفوس، بعات، حمامات و مدارس و مساجد و... محله خود را صورت برداری کرده است. این صورتهای اکنون در ورتهای ۱۲۲-۳۴۲ "مجموعه ناصری" ضبط است و جداول بیوست بر اساس استخراج نواح این صورتهای تنظیم شده است.

در آن زمان قزوین به ۱۶ محله تقسیم می‌شده است و در جزوات نامبرده‌گانه نواح این سرشماری، هر کدخدا بهرستی از خانههای محله خود را به دست می‌دهد و در مورد هر خانه نام صاحبخانه و تعداد ساکنان آن را بر حسب زن و مرد ست می‌کند و سپس آئینه عمومی و تجهیزات شهری محله را تعداد می‌کند. گاهی دگر نام فلان مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا با توضیح مختصری نیز همراه است.



در یکی دو مورد ، کدخدای محله‌ای از اینهم بیشتر رفته تعداد افراد محله خود را بر حسب کدزها و با بر حسب موقعیت طلی و احتیاجی صاحبخانه و یا بر حسب صغیر و کبیر نیز در اختیار گذاشته است .

xalvat.com

از این نانوده جزوه ، نه جزوه تاریخ دارد و معلوم است که در تیلان تیل ۱۲۹۹ با در ماههای محرم یا صفر ۱۲۹۹ تنظیم شده‌اند در هفت جزوه دیگر فقط به ذکر اینکه در دوران حکومت ملک آرا " تدوین شده کفایت گردیده است . اما همه فرانس نشان می‌دهد که این جزوات هم می‌بایست همزمان یا آنهای دیگر یعنی در تیلان تیل ۱۲۹۹ تنظیم شده باشد .

آغاز سال ۱۲۹۹ قمری مصادف بوده است با جدی ۱۲۶۰ شمسی . بنابراین پذیرفتن تاریخ ۱۲۶۰ نسبی به عنوان سال انجام این سرشماری منطقی به نظر می‌آید .

پیش از این ، آقای سید محمد علی گلریز نیز در کتاب خود درباره تاریخ و جغرافیای قزوین (مینو در با باب الجنة قزوین ، نهران ، چاپخانه دانشگاه ، اردیبهشت ۱۳۳۲) از این سرشماری استفاده کرده‌اند . استان نه تنها توضیحات گوناگون در باره مشخصات ساجد و اینبه و عمیره را در اثر خود آورده‌اند بلکه از روی شهرسها خانه‌های هر محله را نیز شمارش کرده‌اند و بر حسب نقل صاحبخانه تقسیم بندی کرده‌اند (نگاه کنید به کتاب یاد شده ، صفحہ ۴۰۴ - ۳۹۳) .

در باره میران دقت و درجه شمول این آمارگیرها ، آقای گلریز می‌نویسد : "آمار برخی از کدخدایان بسیار مرتب است و آبسه عمومی را به اسم و رسم نوشته‌اند . برخی از آنها فقط به ذکر تعداد مسجدها و گرمابه‌ها قناعت نموده‌اند . بعضی به دستور توجیهی نداشته‌اند و برخی آنبه را ذکر کرده‌اند با به نوشتن مجموع آنها اکتفا کرده‌اند چنانکه شماره بلهها را فقط کدخدای محله سوق الاغنام نوشته همچنین تعداد ۷ مکتب‌خانه که در آن محله بوده ذکر کرده است لکن سایر کدخدایان اصلا نامی از مکتب‌خانه نبرده‌اند و همچنین از باغهای داخله شهر و زورخانه‌ها ذکری بهمیان نیاورده است . سپر صورت با همه این نواقص کوچک سرشماری شهر که موضوع اساسی است از هر جهت قابل توجه است و دارای ارزش فراوانی می‌باشد " (همانجا ، ملاحظات جدول ص . ۴۰۳ - ۴۰۲) .

در این سرشماری فقط از ۹ بل صحبت می‌شود و آقای گلریز اضافه می‌کند "تعداد بلهها از سست متجاوز بود . این تعداد فقط در ناحیه محله سوق الاغنام واقع شده . کدخدایان محلات دلمح و حندقبار صورت بلههای خود را ننوشتند " (همانجا) و در مورد تعداد آبخوره‌ها و دروازه‌ها هم که فقط در کتابچه مربوط به محله سوق الاغنام از آنها ذکری شده است ، می‌نویسد : " باز هم آبخوره‌های دیگر هست که کدخدایان مربوطه معرفی نشده‌اند " و یا " شماره دروازه‌های قزوین نیز هفت است که بغیره گزارش نشده است " (همانجا) .

در اینجا ، نتایج این سرشماری در ۸ جدول تنظیم شده است . برخی از این جداول مربوط به تمامی محلات شهر است و برخی دیگر اطلاعاتی را که تنها در مورد چند محله موجود بوده است به دست می‌دهد .

جدول ۶ ، از کتاب یاد شده سید محمد علی گلریز (ص . ۴۰۲ - ۴۰۱) اقتباس شده است همچنانکه گفته آمد ، آقای گلریز در کتاب خود ، تعداد خانه‌های ذکر شده به وسیله کدخدایان محلات را شمرده‌اند و سپس خاصها را بر حسب نقل صاحبخانه تقسیم بندی کردند .

جدول ۷ ، توزیع جمعیت هر محله قزوین را بر حسب مقام و نقل رؤسای خانوار بدست می‌دهد . در مورد ارقام این جدول توجه به نکات زیر ضروری است :

۱ - در محله فملائی ، تعداد رؤسای خانوارهای " کسبه و منفرته " ۱۰۲۰ تن ذکر شده است . باید گفت که در متن ۸۶۵ نفر ازین عده نحت عموان " کسبه و غیره " ذکر شده‌اند . در حالیکه مقام و نقل ۷۲ خانوار معلوم نیست و ۸۳ خانوار نیز بدون ذکر نقل و مقام رؤسای هر یک تحت عنوان " درب دیگر " ثبت شده‌اند .

۲ - ۲۰ تن از کسبه محله فملاوک (۴۶۷ تن) را مقنبان تشکیل می‌دهداند .

۳ - در میان ۱۰۶۸ رئیس خانوار " منفرته " محله فملاوک ۲۲ " درویش " ۲۹۹ " اگراد " وجود داشته است .

۴ - سادات محله سرکوجه ریجان (۲۴۶ تن) شامل ۲۳۶ تن " مجتهدین عظام و سادات ۷۰



سنام محله	زن	مرد	کل
محله سدرج (آخوند)	۸۲۱	۸۱۷	۱۶۳۸
دبج	۶۲۸	۶۰۶	۱۲۳۴
تلاق	۷۸۰	۷۴۰	۱۵۲۰
سوق الاعمام	۳۴۳۷	۳۶۳۲	۷۰۶۹
بنه ربه	۱۱۹۸	۱۲۷۰	۲۴۶۸
درب ری	۶۵۸	۶۹۷	۱۳۵۵
مغلاوک	۸۲۸	۸۶۷	۱۷۰۵
گل بند	۲۰۵	۲۴۶	۴۵۱
درب کونک	۲۹۹۱	۱۷۷۳	۴۷۶۴
مستبول و ملاعی	۵۰۷	۵۴۹	۱۰۵۶
راه چمان	۵۵۱	۶۰۰	۱۱۵۱
سور سارا	۳۴۱	۳۷۳	۷۱۴
محله دیاعان	۸۴۰	۹۴۶	۱۷۸۶
محله سر کوجه ریحان	۸۶۸	۷۳۶	۱۶۰۴
محله خابان	۱۰۱۰	۱۳۱۰	۲۳۲۰
محله خمدنار	۶۹۱	۶۷۳	۱۳۶۴
کسل	۱۶۳۶۴	۱۵۸۲۵	۳۲۱۸۹

xalvat.com

جدول ۵- قزوین (۱۲۶۰): توزیع جنسی جمعیت

سنام کسدر	زن	مرد	کل	نعد ادخانه
کدر سرکلک	۶۷۹	۶۵۵	۱۳۳۴	۱۹۸
کدر میدانگوسفند	۶۴۹	۷۱۲	۱۳۶۱	۲۰۵
کدر اگری کوجه	۱۵۵	۱۵۷	۳۱۲	۴۷
کدر خوشی	۳۲۱	۳۸۰	۷۰۱	۴۱
کدر شیخ آباد	۵۵۰	۵۹۵	۱۱۴۵	۱۲۴
کدر صوفی	۵۰۵	۵۲۲	۱۰۲۹	۱۶۱
کدر سگه کوبه	۵۷۸	۵۹۹	۱۱۷۷	۱۵۰
جمع	۳۴۳۷	۳۶۳۲	۷۰۶۹	۹۷۶

جدول ۶- قزوین ، محله سوق الاعمام (۱۲۶۰): توزیع جنسی جمعیت و توزیع خانه‌ها بر حسب هر کدر

ذوی الاحترام " و ده بن " سادات " بوده است .

۵ - علما، محله سرکوجه ریحان در اصل دستنوشته تحت عنوان "طلاب" ذکر شده‌اند . جدول ۸ آمار و ارقام ابنیه و عمارات و تجهیزات سیری قزوین را به دست می‌دهد . باید

گفت که در نسخه دستنوشته برخی از ابنیه و عمارات به "معموره" و "مخروبه" گروه‌بندی شده ۷۱



است . به این ترتیب است که می بینیم حمام محله مفلوک مخروبه است و حمام و آب انبار و مسجد محله گلریمه مخروبه است و در محله دسج از مجموع ۵ مسجد ، یکی مخروبه و در محله راه چمان از مجموع ۲۴ مسجد ، ۲۱ باب مخروبه بوده است و در مجموع مساجد شیر قزوین (۷۱) ، شماره مساجد مخروبه به ۲۳ باب می رسیده است .
در دستنوشته ذکر شده است که دکاکن محله سوق الاغنام ، دکاکن زاج فروشها را نیز شامل می نمود .

تعدادخانه	کل	مرد	زن	سام گذر
۸۱	۴۰۳	۲۱۵	۱۸۸	گذر باغشاه
۷۲	۴۵۷	۲۳۱	۲۲۶	گذر صوفیان
۸۸	۵۳۰	۲۴۹	۲۸۱	گذر صیغانگاه
۹۴	۵۶۶	۳۱۸	۲۴۸	گذر بالایا در حوالی خانه کد خداست
۲۸	۱۶۰	۸۵	۷۵	گذر آسه خاسون
۴۸	۳۵۲	۱۷۲	۱۸۰	گذر حاجی جباریها
۴۱۱	۲۴۶۸	۱۱۹۸	۱۲۷۰	جمع

xalvat.com

جدول ۷- قزوین ، محله بنبریمه (۱۲۶۰) : توزیع جنسی جمعیت و توزیع خانهها بر حسب هرگذر

تعدادخانه	کل	مرد	زن	نام محله
۱۲۰	۶۸۷	۳۲۳	۳۶۴	فشنهول
۴۴	۳۶۹	۲۲۶	۱۴۳	بلاغی
۱۶۴	۱۰۵۶	۵۴۹	۵۰۷	جمع کل

جدول ۸- قزوین ، محله فشنهول و بلاغی (۱۲۶۰) : توزیع جنسی جمعیت و توزیع خانهها بر حسب هر قسمت محله

نام محله	زن		مرد		کل
	کبیره	صغیره	کبیره	صغیره	
راه چمان	۳۸۱	۱۷۰	۲۰۰	۲۰۰	۵۵۱
تنور سازان	۲۵۰	۹۱	۱۱۵	۲۵۸	۳۴۱
دباغان	۵۳۰	۲۱۰	۳۰۶	۶۴۰	۸۴۰
خیابان	۷۱۰	۳۰۰	۵۱۰	۸۰۰	۱۰۱۰
کل	۱۸۷۱	۸۷۱	۱۱۲۱	۳۰۹۸	۱۷۴۲
درصد	۳۱/۳	۱۴/۶	۱۹/۰	۳۵/۱	۴۵/۹

جدول ۹- قزوین (۱۲۶۰) : توزیع سنی جمعیت در چهار محله شهر

بالاخره باید گفت که علاوه بر آنچه در جدول آمده است ، آبنیه و تجهیزات دیگری نیز در برخی محلات شیر به نرخ دبل ذکر گردیده است :
 محله بندرخت : یک شیشه‌گر خانه ، محله فملاق : سه پارچه باغ ، محله سوق الاغنام :
 ۲ مکتب خانه ، ۹ بل ، ۲ دروازه و آبخوره ، محله خیابان : یک مهمانخانه ، محله خندقبار : ۲ حصار .

xalvat.com

نام محله	سادات و علماء	شاهزادگان	اعیان	سجار	کسبه وصرفه	کل	درصد
بندرخت	۳۶	۱	۳۰	۱۱	۱۲۸	۲۰۶	۵/۱
دیماج	۲۴	-	۲۳	۱۳	۱۰۹	۱۶۹	۴/۲
فملاق	۲۲	۱	۱۴	۸	۱۰۰	۱۴۵	۳/۶
سوق الاغنام	۴۴	-	۵	۹	۹۱۸	۹۷۶	۲۴/۱
سینه ریشه	۳۲	۲	۱۳	۲۴	۳۴۰	۴۱۱	۱۰/۱
درب ری	۶	-	۱۱	۲	۱۵۱	۱۷۱	۴/۲
مغلاوک	۲۱	-	-	۱	۲۶۷	۲۸۹	۷/۱
گل بند	۷	-	۲	-	۵۳	۶۲	۱/۵
دریکونگ	۴۴	۶	۱۳	۲۲	۴۲۶	۵۱۱	۱۲/۶
فشتهل و بلاغی	۳۶	۴	۱۳	-	۱۱۱	۱۶۴	۴/۰
راه چمان	۸	-	۶	-	۱۰۸	۱۲۲	۳/۰
تنور سازان	۵	-	۵	۱	۶۳	۷۴	۱/۸
دشمان	۹	-	-	۲	۱۴۷	۱۶۰	۴/۰
سرکوجه ریحان	۴۹	۱	۱۸	۲۶	۱۶۱	۲۵۵	۶/۳
خیابان	۶	-	۳	۶	۱۶۳	۱۷۸	۴/۲
خندقبار	۱۶	-	۷	-	۱۳۹	۱۶۲	۴/۰
کل شهر	۳۶۵	۱۵	۱۶۳	۱۲۸	۳۳۸۴	۴۰۵۵	۱۰۰/۰
درصد	۹/۰	۰/۴	۴/۰	۳/۲	۸۳/۴	۱۰۰/۰	-

جدول ۱۰ - قزوین (۱۲۶۰) : توزیع خانه‌های شهر بر حسب محلات و شغل رئیس خانوار

نام محله	سادات	علماء	شاهزادگان	اعیان	سجار	کسبه	صرفه	کل
بندرخت	۷۲	۱۴۳	۲	۱۶۶	۷۹	۱۱۴۵	۱۶۴۸	
دیماج	۵۸	۱۳۷	-	۱۷۲	۱۱۴	۵۵۵	۱۲۳۴	
فملاق	۲۰۲	۱۸۶	-	-	۱۱۲	۱۰۲۰	۱۵۲۰	
مغلاوک	۱۰۹	۴۰	-	-	۲۱	۴۶۷	۱۷۰۵	
درب کوشک	۲۳۵	۹۵	۵۹	۱۳۵	-	۴۲۴۰	۴۷۶۴	
سرکوجه ریحان	۲۴۶	۹۱	۱۱	۱۴۲	۱۸۰	۹۲۴	۱۶۰۴	
جمع							۱۲۴۶۵	

جدول ۱۱ - قزوین (۱۲۶۰) : توزیع جمعیت بر حسب مقام و شغل رئیس خانوار در شش محله

نام محله	امامزاده مسجد مدرس	تکبه	حمام	آب انبار	دکان	بازارچه	کاروانسرا
بندر حجت	۴	۲	۴	۵	-	-	۱
دبمچ	-	-	۲	۵	-	۱	۲
مملاتی	۳	۱	۲	۶	۱۸	۲	۲
سوق الاغنام	-	۹	۱	۶	۱۲	۳	۴
بنیه ریسه	۱	۳	۱	۲	-	۳	-
دربری	-	۱	-	۴	-	-	-
مخلاوک	-	۲	-	۱	-	-	-
گل بنه	-	۱	-	۱	-	-	-
درنگوتک	۲	۸	-	۶	-	-	-
عشقیول و سلامی	۳	-	۱	-	۳	-	-
راه جهان	۱	۲۳	-	-	-	۶	-
تنور سازان	۱	۵	-	-	-	-	-
دماغان	۱	-	-	-	۱	۸	-
سرکوجه ریجان	-	۳	۲	۳	۴	-	۷
خامیان	-	۱	-	۵	۲	۸۹	-
خندصار	-	۳	۱	-	۲	۵۰	۳
کل شهر	۱۰	۷۱	۹	۸	۳۵	۵۳	۲۲۱
							۱۰
							۱۹

جدول ۱۲- قزوین (۱۲۶۰) : آبنبه و تجهیزات شهری

sahavat.com

همدان (۱۲۶۰ شمسی/ ۱۲۹۹ قمری/ ۱۸۸۲ - ۱۸۸۱ میلادی)

"کتابچه نفوس و جغرافی بلده" طبیعه همدان جفت بالامن و الامان از روی تحقیق مطابق سال فرخنده فال ثیلان ثیل سنه ۱۲۹۹ "ندوین یافته است (مجموعه ناصری، ج ۵، ورقهای ۲۵۲-۲۷۲). این کتابچه نمایج سرشماری نفوس همدان و بلوکات تابع آن را به دست می دهد که در اینجا تنها نمایج سرشماری نفوس شهر همدان ارائه می گردد. همانطور که گفته آمد این سرشماری در ثیلان ثیل ۱۲۶۰ قمری انجام گرفته است. از آنجا که تنها چهار ماه آخر سال شمسی ۱۲۶۰ (ثیلان ثیل) است که با سال قمری ۱۲۹۹ مطابقت داشته است، بنابراین سرشماری می بایست در ماههای قوس، حدی، دلو و حوت انجام گرفته باشد (مطابق ۲۳ نوامبر ۱۸۸۱ تا ۲۰ مارس ۱۸۸۲).

کلیات درباره همدان

"همدان از شهرهای عدم ایران هوائش بیلابی است در دامنه کوه الوند و الوند در سمت غربی شهر واقع است. پنج رشته رود از سمت غربی به املاک شهر و توابع می ریزد. اول از دره این رود جاری است که آن دره موسوم به امامزاده کوه است. وجه تشبیه این دره به امامزاده کوه برای این است که حسن ابن علی (ع) در آن دره مدفون است. چهار مفرهم از صحابه خاص حضرت رسول (ص) در همان بقعه شریف در بگ صندوق که صورت چهار مقبره از آن یک صندوق محسوس است مدفونند. وضع این دره خیلی خوش وضع و با صفا است. چند فریه محفزی در میان این دره کنار رودخانه دیده می شود. در سایر فصول، از این دره هست نوسنگ آب جاری می شود و در چهار منجاور از بیست سنگ جاری است. بیدستان و بیشه زیاد دارد. در تابستان زوار زیاد برای زیارت آن بقعه مطهر و تفریح آن دره با روح و صفا از اطراف و اکناف می روند.

دوم، رودی است که از دره عباس آباد جاری است. این دره در سمت غربی محاذی شهر ۷۴

واقع است و پنج شش مزرعه در این دره واقع است که همه آنها متصل به یکدیگر هستند . از انجا و انبار همه غسم و همه نوع در آن مزارعات بهم می‌رسد . تقریباً " یک فرسخ و نیم طول این دره است که تماماً " میوه‌جات است . در صفا و روح مگر همان بیننده داند و بین . در غیر اوقات از این دره متجاوز از پانزده سنگ آب جاری است ولی در بهار نخصیماً " ۴۰ سنگ آب از این دره فرو می‌ریزد .

سیم رودی است از دره‌ای می‌گذرد که آن دره موسوم به دره مرادبیک است و مابین مغرب و قبله سمت شهر واقع است . الحقی در نزهت و صفا و روح . این دره امتیاز نام به آن دو دره مذکوره دارد . از هر قبیل میوه در کمال امتیاز در او یافت می‌شود . از اینجا هم متجاوز از دره عباس آباد ، آب جاری است .

رود چهارم مسمی به رود کشین است . از دره‌ای می‌ریزد در آن دره چندین باغات زیاد ملاحظه نمی‌شود . آب او به دهات جنب شهر می‌نشیند . اینهم در بهار زیاده از ۲۰ سنگ آب می‌گذرد . دهات خوبی در کنار این رود واقع است .

رود پنجمی مسمی به سیمینه رود است . از دره وسیعی گذشته به دهات می‌ریزد . آبی گوارتر از این آنهاست . دهات خوبی در نواحی این رود محسوب است که همه وصل بهم خیلی خوش‌تر و با روح می‌ساید . در فصل بهار فزون ز پنجاه سنگ آب از این رود جاری می‌شود . توضیح آنکه این پنج رشته رودخانه مذکوره محتسب به شهر و نواحی همدان است که از الوند کوه به سمت شرقی جاری است و از سمت غربی رو به طرف نویسرکان و محال خرم رود رودخانه‌های با ماه و کثیرالمنفعه جاری می‌شود " (۲۵۳ ب) .

خالوات.com

محللات پسگانه شهر

"خود شهر همدان عبارت است از پنج محله کدخدانشین . فاخرلاب رودخانه دره مراد بیک همیشه از میان شهر می‌گذرد . عمارت حکومتی که بنیاد آن از نواب بهمن میرزا است در کنار همین رودخانه است " (۲۵۴ ب)

۱ - محله درد آباد : " مشتمل است بر ۵ کوچه ... از مزار حکماء و اغطاب بوعلی سبنای حکیم و ابوسعید قاریایی رحیم الله در کنار رودخانه واقع است " . این محله اراضی مزروعی و باغاتی

را شامل می‌شود که همه در دره مراد بیک واقع است . مساحت بذرافشان اراضی مزروعی ۳۰ خروار و مساحت باغات ۲۷۴ طناب بوده است . یک باب عمارت حکومت و یک باب تلگرافخانه در این محله واقع شده است .

۲ - محله مختاران : " در سمت شمال شهر واقع است . مشتمل است بر ۱۳ کوچه و گذر . محله یهودیها هم در همین محله واقع است . این محله بر حسب جمعیت ، زیاده از محللات دیگر است . جمعیت کل این محله ۲۰۶۵۳ تن است که از این رقم ۴۷۶۱ تن را جمعیت یهود (۲۲۹۶ زن و ۲۴۶۵ مرد) تشکیل می‌دهد است . قسمتی از اراضی این محله سبز به باغداری و زراعت اختصاص داشته است . مساحت باغات که " از دره عباس آباد مشروب " می‌شده ۴۷۷ طناب و مساحت مزارع که " از رودخانه مشروب " می‌شده ۲۵۰ خروار بوده است . در این محله ۱۹ مسجد وجود داشته که ۴ باب آن مساجد یهود بوده است .

۳ - محله جولان : " در بین شرقی و شمالی شهر واقع است . نل بزرگی که آثار عمارت در او محسوب است در کنار این محله هویدا است و آن نل مسمی به مصلی است . نخسته سنگهای بزرگ و طویل از آن نل بیرون می‌آید و این محله مشتمل است بر یازده کوچه و گذر " (۲۵۴) . علاوه بر یک عمارت حکومتی (چاپارخانه) ، در این محله مقابر برخی از اکابر و اشراف واقع شده است . باغاب محله جولان ۱۱ طناب و مساحت اراضی بذرافشان آن که از رودخانه کشین مشروب می‌شود " ۱۸۲ خروار است . جمعیت محله جولان ۱۱۶۹۸ تن بوده است . جمعیت آرامنه شهر نیز در این رقم منظور گردیده است . به تصریح متن (۲۵۶) جمعیت آرامنه " چهل پنجاه خانوار " بوده است .

۴ - محله بن بازار : " این محله مشتمل است بر شانزده کوچه و گذر . از مزار اکابر و اشراف و اغطاب در این محله واقع است . مزار قطب الاقطاب باباطاهر رحمت الله و حارث بن علی علیه السلام و امامزاده اسمعیل علیه السلام و مرقد علویان که جد سادات علوی است . از غیر معارف هم چند معقه



بیافت می شود . خانقاه نافعه انداز در این محله زیاده از محلات دیگر است .
 ۵ - محله درب اسد آباد و خواجه حافظ و سنگ شیرو غیره : "وجه تسمیه سنگ نیر به ملاحظه این است سنگی است در درب دروازه شهر خیلی شبیه است به شیر . به اعتقاد خود اهالی شهر ، همه ساله باد همدان را خراب می نمود اشجار و محصول باغات و زراعت شهر را شکسته به کلی نابال می نمود . دروسی صفت شد و در این سنگ طلسمی ساخت . از آن تاریخ به بعد ، از باد شدید آسیبی به باغات و اشجار اهالی نرسیده است . از عجایب این شهر که اشهر نام دارد این است دو سنگی در خارج شهر در جنب سنگدگر محبوس است و این سنگها هم شبیه یکدیگرند بر حسب ترکیب و قد . روبروی این سنگها عصرهای اسب مشهور به سر که صندوق و رواق دارد . یکی از آن دو قطعه سنگ را سنگ باد می نامند و علامت آن است که هر وقت از اوقات همان سنگ باد را بر روی سنگ دیگری در جنب او واقع است سوار کردند باد شدت و طوفان سخت هوا " بر خاسته می شود . نازمانی که آن سنگ را نرود می آوردند طوفان به همان حالت باقی خواهد بود . ولی نگارنده شرح به عرض آورد که قبول جمعی مطلبی سرد عتلا بوقوف به حق است نه استماع " . . . " از مزار اکابر در این محله است بحبی بن علی علیه السلام . در کراچات نول عامه است . مردم از اطراف به زیارتش می روند " (۲۵۶)

xalvat.com

نام محله	دن	مرد	کل
محله درد آباد	۲۱۴۰	۱۶۳۸	۳۷۶۸
محله مختاران	۱۰۷۰۱	۹۹۵۲	۲۰۶۵۲
محله جولان	۶۸۶۸	۲۸۳۰	۱۱۶۹۸
محله بن بازار	۳۹۸۵	۲۳۱۴	۸۲۹۹
محله درب اسد آباد ، خواجه حافظ			
سنگ شیرو غیره	۱۹۹۹	۲۰۹۲	۴۰۹۱
سنگ شیر و غیره			
جمع کل	۲۵۶۸۳	۲۲۸۲۶	۴۸۵۰۹

جدول ۱۳ - همدان (۱۲۶۰) توزیع حسی جمعیت بر حسب محلات شهر

نام محله	عمارات						
	خانقاه	تعمیرات	مسجد	حمام	دکاکین	نظاحونه	کاروانسرا
درد آباد	۲	۲	۱۰	۱۲	۴۸	۹	-
مختاران	-	-	۱۹	۱۱	۸۶	۱۴	۵
جولان	۱	۱	۸	۹	۱۰۸	-	-
بن بازار	-	-	۱۱	۵	-	-	۲۰
درب اسد آباد ، خواجه حافظ ، سنگ شیرو غیره	-	-	۶	۸	-	-	-
جمع کل	۳	۳	۵۴	۲۵	۲۴۲	۲۳	۲۰

جدول ۱۴ - همدان (۱۲۶۰) : اینده عمومی و عمارات و مسکن



در پایان این مختصر باید بیفزاییم که اطلاعاتی دربارهٔ تحول صدسالهٔ جمعیت شهرهای کاشان ، قزوین و همدان ارائه دهیم .
 بی‌دانیم که در فاصلهٔ سالهای ۱۳۱۸-۲۱ ، در برخی از شهرهای ایران و از جمله در کاشان و قزوین و همدان سرشماریهایی انجام گرفته و اطلاعاتی نه چندان دقیق و کاملی هم از سایر ایسین سرشماریها منتشر مانند است .

از حضم کتاب دهم این سرشماریها ، حدود حوزهٔ عمر سرشماری است : به درسی معلوم نیست که در هر شهر ، سرشماری در چه محدوده‌ای انجام گرفته است . در مورد تهران و اصفهان بی‌دانیم که حوزهٔ سرشماری ، برخی از دهاب حومهٔ نزدیک اس دو سیر را در بر بی گرفته است و در مورد قزوین هم می‌دانیم که جمعیت ما شجاع یک کیلومتری شهر سرشماری شده است . محض است که در مورد همدان و کاشان نیز چنین رومی دنبال شده باشد و در انصورت ، بی‌ایند در مفایسه انجام ، به این امر سر بوجه داست ، ارقام مربوط به سالهای ۱۳۳۵ ، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ از سایج سرشماریهای عمومی نفوس کشور گرفته شده است .

xalvat.com

سال	کاشان	قزوین	همدان
۱۲۵۸	۲۱۶۹۹	-	-
۱۲۶۰	-	۳۲۱۸۹	۴۸۴۶۶
۱۲۷۰	-	۴۲۶۱۱	-
۱۲۸۸	۴۴۹۹۶	-	-
۱۳۱۹	-	-	۱۰۲۸۷۴
۱۳۲۰	-	۵۵۱۵۱	-
۱۳۳۵	۴۵۹۵۵	۶۶۴۲۰	۹۹۹۰۹
۱۳۴۵	۵۸۲۶۸	۸۸۱۰۶	۱۲۴۱۶۲
۱۳۵۵	۸۴۸۶۳	۱۲۸۵۳۲	۱۶۵۲۸۵

جدول ۱۵: تحول جمعیت شهرهای کاشان ، قزوین و همدان در یک قرن گذشته





فصلی در گل سرخ

xalvat.com

دبیر نشریه عاطفه گرگین

دوره جدید - جلد (۱)

تا بهستان ۱۳۶۴



xalvat.com

فهرست مطالب

- ۱- ۳۳ پرسش عاطفه گرگین
- ۳۳ پاسخ منوچهر هزارخانی
- ۲- راروی اعتراف ایرج اسکندری
- ۳- تراژدی اسماعیل وفا یغمائی
- بانظری به سرنوشت حزب توده
- ۴- سنجش rouzaneha.org اسماعیل خوئی
- برای احسان طبری
- ۵- مصاحبه عاطفه گرگین با جلال طالبانی
- ۶- نهضت سرخ جامگان علی میرفطروس
- ۷- گفتار سیاسی خمینی / حزب الله ناصر پاکد امن
- رحمت، زحمت و معرفت الله
- ۸- قصه بابابزرگ با قمر مومنی
- ۹- میان بودن و نابودن نعمت آرم
- ۱۰- رویا م . سحر
- ۱۱- از " بنده " آفساق
- ۱۲- آی میهنم عاطفه گرگین
- ۱۳- کولی " ۸ " سیمین بهبهانی
- ۱۴- پرند ه خیس خسرو گسرخ



ناصر یا کدا من

گفتار سیاسی خمینی / حزب الله

رحمت ، رحمت و معرفت الله

xalvat.com

داستان اینطور شروع میشود : میلاد پینفمبر است و بعد همولادت امام جعفر صادق. و این هرد و روز مبارک کسه حتما قرنهایست (قاعده از زمان تولد امام جعفر صادق) مقارن و همزمانند. امسال به همت جمهوری اسلامی خمینی ، بایک واقعه مهم دیگری هم مصادف شده است : " آخرین روز از هفته وحدت " به همفاین مناسبات " روسای سه قوه " به همراهی جمعی از مسئولین کشوری " با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند . و بقول معروف ، زمان : صبح روز سه شنبه ۲۰ آذر ۱۳۶۳ مطابق با ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۵ و ۱۱ دسامبر ۱۹۸۴ و مکان : البته جماران ، کوخ رهبر مستضعفان .

صحنه گذاری : در این دیدار ابتدا ریاست جمهوری طی سخنانی این روز بزرگ و تاریخی ساز را به محض امام امت تبریک و تهنیت عرض کرد . این بیان صحنه است از قلم منشی رسمی . و متنی است که بعینه (مانند تمامی متن که در اینجا نقل میشود) در همه روزنامه های صبح و عصر کشور چاپ شد هاست (از جمله در کیهان و اطلاعات ۲۱ آذر ۱۳۶۳) . بنا برین درین متن رسمی هر کلمه ای درست و حسابی انتخاب شده است . داستان



در استان شخلمتی نیست، الفاظ و کلمات گویای يك جهان بینی
 است و بیان کنند ه نوعی برداشت خاص از نظام سیاسی و مراجع
 قدرت آن، اینست که بیان صحنه بدقت، اما به کوتاهی صورت
 میگیرد. نامی از کسی برد نمیشود: "در محضرامام" کسی قایل
 آن نیست که نامش برده شود، چهره به اینکه سخنش نقل
 شود. چرا که سخن او، سخن همیشگی، عادی و مرسوم است.
 سخنی است که میبایست گفته میشد. در هر حال، مهم نیست
 بوسیله کی، گویند ه مهم نیست، اینکه در "محضرامام" است که
 تبریک و تهنیت بگوید مهم است. علاوه بر این گویند ه که نامش
 را هم ذکر نمی کنند، نمی گوید، بلکه "عرض" می کند. یا خضوع
 و خشوع و از پائین به بالا. این نخستین پیام است: همه بزرگان
 و مسئولان مملکتی در برابر "رهبر کبیر انقلاب اسلامي" هیچند.
 داخل آدم هم نیستند، آمد ه اند با افتادگی و خاکبوسانه و
 بند ه در گاه ماب که ادای تکلیف کنند. حتی آنقدر داخل آدم
 نیستند که به خود امام تبریک و تهنیت بگویند. نه، این چیز-
 هاشان را به "محضرامام" "عرض" می کنند. وبعد حتماً ساکت
 می مانند. با گلوهای خشکیده و دست پاچه شد ه حتی حشرات
 "تکبیر" گفتن هم ندارند. هیچکس به هیچکس نگاه نمی کند.
 و هنوز سکوت است. "آنگاه امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان-
 گزار جمهوری اسلامی سخنانی به این شرح ایراد کردند.".
 توجه کنید که "امام" پاسخی نمی گوید. سخنان او به مناسبت
 خاصی نیست. در پاسخ کسی هم نیست. حرفهای او، از
 فراسوی حضار، ابدیت را مخاطب قرار می دهد تا مشکل گشایی
 کند. البته منشی برای او صیغه جمع را بکار می برد: آن
 یکی "عرض کرد" و این یکی "به این شرح ایراد کردند".
 آن یکی عرض پائین دستی بود یه محضرمقامی والا و معین
 و این یکی ایراد خطاب به سخنران است خطاب به همه، آنها



که هستند و آنها که نیستند . اشاره اثر به حاضران روشن است :
 " من متقابلاً " این عید بزرگ را به همه آقایان و به همه
 ملت و به همه ملت های مسلمان و مستضعفین جهان تبریک عرض
 می کنم . و اگر " عرض " میکند به خاطر شکسته نفسی است و بعد
 هم به خاطر اینکه دارد برای " همه ملت " ، " همه ملت های
 مسلمان " و " مستضعفین جهان " صحبت میکند .

در این صحبت چه می فرمایند ؟ گفتار او ، همچون گفتار
 همه خود کامگان از مقداری احکام تشکیل میشود . احکامی که
 اثبات آنها فقط احتیاج به بیان دارد ؛ کافیست که خود کامه
 به زبان آرد تا ثابت شده باشند . آنها به ضرسی قاطع و
 بیشک و تردید . به این ترتیب است که هر گفتار " امام " همچون
 گفتار آریامهر در ایران در بروز و گفتار پیونیه یا کیم ایل سون و یا
 هر خود کامه بلند و کوتاه دیگر ، مطو است از کلمات قصار . برخی
 مضحک و برخی هم ساده و بیتر پایه افتاده . و اما همه صریح ، روشن
 و بی چون و چرا .

xalvat.com

گفتار خمینی هم مثل گفتار خود کامگان دیگر ، جهانشمول
 است و بریک " نظریه " عمومی " تکیه می زند و به این ترتیب همه
 چیز را تبیین می کند ، ساده و صریح و بی تعارف . نه جایی
 می ماند برای شک و تردید و نه فضایی برای استثنا و امور غیر-
 عادی . دنیای گفتار خمینی ، دنیایی مطو از امور عادی است .
 دنیای " تابوده چنین بوده و تا هست چنین است " . و حالا
 ایشان آمده اند و چند جمله ای می گویند و یکی از معضلات
 بشری این دنیا را حل می کنند ، این بار " نظریه " عمومی
 رحمت و رحمت " را ارائه می فرمایند . حساب خودمان را
 داشته باشیم . نظریه ای عام و فراگیر مثل همه چیزهایی که از
 خود کامگی سرچشمه می گیرد ، همچون سرب مذاب می آید و
 همه چیز و همه جا را در خود می گیرد . پستی ها و بلند یها را



یکسان می کند و خلل و فرج را می پوشاند . دنیایی صاف و یک-پارچه ، لیز و روشن و دویخشی .

قضیه از چه قرار است ؟ عالمی است که در آن هستیم . همین عالم وجود را می گویم . این عالم را باریتمالی آفریده و "رحمت" کرده است و بعد هم عالم را به خیال خود رهان کرده است ؛ اهل رحمت را فرستاده است با پیام رحمت ؛ "انبیاء عظام و کتاب الهی"

xalvat.com

"عمده" نظر کتاب الهی و انبیاء عظام بر توسعه معرفت است . درست است که "کتاب الهی یک سفره گسترده ای است که همه از آن استفاده می کنند و هرکسی به وضعی استفاده میکند" اما فراموش نباید کرد که "تمام کارهایی که آنها (انبیاء عظام) می کردند برای این است که معرفت الله را به معنای واقعی توسعه بدهند . جنگها برای این است ، صلحها برای این است و عدالت اجتماعی فایتش برای این است" یک مشت بی معرفت ازینطرف و یک پیام آور معرفت هم از آنطرف . (حالا اینکه "معرفت الله به معنای واقعی" یعنی چه و چگونه میشود و توسعه اش را در معلوم نیست . طنین عرفانی کلمه معلوم است . آقا هم که در برداشت اسلامی خود ، هیچگاه مشرب عرفان را فراموش نکرده است ؛ نفس اماره و تزکیه و تاویل و ریاضت و سمر درون و از این مقولات و مقولات مفصله الی سامی دیگر !) این آدمهای بی معرفت موجب زحمتند . بشر تا حلقوم زحمت است و در زحمت ، وبا "اعمال" خود آنقدر فساد کرده است که دنیا را گرفته و این شده اسباب زحمت ، برای رفع این زحمت است که اهل رحمت می آیند ؛ قرآن یک رحمتی است برای همه بشر و پیغمبر اسلام یک رحمتی است برای عالمی که در همه امور رحمت است .

"پیغمبر رحمة العالمین است و تمام جنگهایی که او کرده ،



دعوتهایی که او کرده است ، رحمت است . این که می فرماید که قاتلواهم حتی لا تكون فتنه " بزرگترین رحمت است بر بشر " همه پیغمبرها اینطور بوده اند . اصلاً آن مذ هبی که جنگ در آن نیست ناقص است این اشخاصی که گمان میکنند که حضرت عیسی اصلاً سر این کارها را نداشته است و فقط يك ناصح بوده ، اینها به نبوت حضرت عیسی لطمه وارد میکنند . معلوم میشود اگر اینطور باشد که يك واعظی بوده ، نه يك نبی بوده است . واعظ غیر نبی است . نبی همه جیسوز دارد . شمشیر دارد ، جنگ دارد ، صلح دارد . یعنی جنگ اساس نیست . برای اینکه اصلاح را توسعه بدهد ، برای اینکه مردم را نجات بدهد جنگ میکند . برای اینکه مردم را از شر خودشان نجات بدهد ، حد و در را ، تعزیرات را وضع کرده است . برای اینکه هم تربیت بشود این آدم وهم راحت بشود امت .

رحمت دیگر این آدم ، " بی تربیت " و " بی معرفت " وهمین ضرر مشغول فتنه و فساد و در نتیجه سرگرم ایحاد رحمت ، اینکسه کائنات را صبور کرده ، دستگاه عذاب را درست کند : " اساس عذاب الهی بر اعمال ماست . هر عملی که از ما صادر میشود در آن عالم يك صورت دارد ، و بر انسان میشود . اینطور نیست که عذاب آخرت شبیه عذابهای دنیایی باشد که ما موریمن بیایند بکشند و ببرندش " (حتماً یعنی بیایند ببرندش اوین یا کمیته برای تعزیر) . نه . " از باطن خود ذات انسان آتتر طلوع میکند . اساس جهنم انسان است و هر عملی که از انسان صادر میشود بر شدت و حدت عذاب می افزاید .

آری ، " اساس جهنم انسان است " ، آتش جهنم از باطن ذات انسان سرچشمه میگیرد . اگر عذاب هست برای اینست که عملی بوده است . عذاب الهی پاسخی است به عمل انسانی که " ریشه عذاب است " . این آدم در این دنیای



سراسر رحمت ، عجب موجبات زحمتی را فراهم آورد ه است! به این ترتیب است که در نیارافتنه گرفته است و همه از معرفت الله با زماند هاند و " بی معرفت " شده هاند . اینست کسه پیامبران آمد هاند واد یان آورد هاند تا " فتنه " را از میان بردارند . پس رحمت کرد هاند و اگر اسلام ، رحمت است ، دنیا " زحمت " است . پس سراسر هستی مبارزه رحمت است با زحمت .

xalvat.com

این همان بینش د و گانه ای است که بای بسم الله استبداد فراگیر است : در سویی نیکان و در د یگرسو ، بدان . همه جا شویت : خیر و شر ، نور و ظلمت ، ظالم و مظلوم ، انقلاب و ضد انقلاب . همه چیز محبوس در واقعیتی مرکب از تاریکی و روشنایی . یا اینور خط و یا آنور خط . و میان د و خط جنگ چون آتش است!

بنابراین تکلیف همه روشن است . یا بهتر بگوئیم تکلیف ما روشن است . ما که از نیکانیم و آنکس هم که با ما نیست بر ما است . و از اینرو بر ما است که نابود ش کنیم تا بدی را نقصانی د اد ه باشیم و ارد و گاه خویان را هم تقویت کرد ه باشیم . حالا آقای خمینی هم " رحمت " و " زحمت " را د ارد . هر کس با رحمت نباشد ، زحمت است . رحمت ریشه الهی د ارد . هر چه از آنجا س آید رحمت است و هر کس که با رحمت باشد همه کارها پیش هم خود بخود رحمت میشود : بزند ، ببرد ، بسوزد ، بکشد ، همه رحمت است . به این ترتیب است که قتل و ضرب و جرح و حبس و بند و غل و زنجیر ، همه رحمت میشود به شرط اینکه از ما سر بزند . اصلاً در این دنیا د و بخشی ، از همه چیز د و روایت وجود د ارد . يك " روایت رحمتی " و يك " روایت زحمتی " . " روایت زحمتی " ناپسند و کفر آمیز و استکباری و طاغوتی است . در حالیکه " روایت رحمتی " ، راحت الحلقوم



است و خلوت و اسباب نعمت و سعادت . مثلاً * شکنجه ، زحمتی است و ناپسندیده و مذموم . اما * شکنجه رحمتی * هم داریم که میشود تعزیر که اصلاً آسمانی است و حکیم فرموده . توجه هم داشته باشید که این بینش خود بخود مهد یگرانسه است : اگر هنوز آخر الزمان نیست چند ان هم از آخر الزمان دور نیستیم ، چرا که زحمت همه جا را گرفته . پس ماکه اهل رحمتیم ، بفهمی نفهمی * مهدی * هم هستیم : آمده ایم نجات دهیم . به قدر وسع خود مان . برگ سبز و تحفه درویش . البته می بخشید که قابل شمارندارد . می گفتند مهدی بیما ، مهدی بیما ، خوب که ، حالا به حرفهای * ححتیه * گوش ندهید و التفات بفرمائید که ما آمد هام . و آمد های ما را از روزگار اهل زحمت در بیاوریم . * قرآن می فرماید قاطوهم حتی لا تكون فتنه همه بشر را دعوت می کند به مقابله برای رفع فتنه . یعنی جنگ جنگ تارفع فتنه از عالم . این غیر از اینست که ما میگوئیم . مایک جزه کوچکی از آن را گرفته ام . برای اینکه خوب ، مادر یک دایره خلی کوچکی از این دایره عظیم واقع هستیم . * قرآن گفته است و بالا تراز این را گفته است . و رحمت است یک رحمتی است بر تمام بشر که خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت به مقابله کرده است . نه این که خدای تبارک و تعالی می خواهد زحمتی برای مردم ایجاد کند ، می خواهد رحمت درست کند . در غایت توسعه رحمت می خواهد . اما چه کند که ریشه زحمت از درون انسان است . زحمت از ذات باطن بروز می کند و در اعمال و رفتار و کردار انسان نمایان میشود : هدف رحمت اینست که کدک زحمت را بکند تا حکومتش برای همیشه بر سراسر هستی مستقر گردد . اینست که رحمت بازحمت می جنگد آنهم تا پیروزی . زحمت فتنه است و فتنه را



باید بهر وسیله دفع کرد و خاصه با جنگ . " اگر کسی بگوید فتنه را با جنگ رفع نکنید مخالف قرآن است . " باید کسانی کسه تبعیتی از قرآن می کنند در نظر داشته باشند که باید تسکین آنجایی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا اینکه فتنه از عالم برداشته شود . برای اینست که " قرآن می گوید : جنگ جنگ تارفع فتنه از عالم " . دفع همه این امورات از جمله وظایف اولیه ما اهل رحمت است که با این کار هم به خود مان که اهل رحمتیم خدمت می کنیم و هم به اهل زحمت . پس هم مقتول باید راضی باشد و هم ماکه قاتلم . طرفین به معرفت الله نزدیک شده اند . اینجا هم " زهر طرف که شود گشته سود اسلام است " .

xalvat.com

به این ترتیب است که " حد برای . . . آدمی که دستش را می برند ، برای کاری که کرده است ، این یک رحمتی است . " و تاکید هم می فرمایند که " رحمتش در آن طرف ظاهر میشود . " باز هم به همین ترتیب است که " برای آن کسی که فساد کن است اگر او را از بین ببرند یک رحمتی است بر او . . . اشخاصی که در جنگها گشته می شوند باز هم به آن مرتبه از عذاب می که باید برسند نمی رسند و ممکن است که یک مرتبه رحمتی باشد برای آنها . "

اینجا دیگر ، لحن کلام ، کم کم عوض میشود تا قاطع ، بی حاشیه و بی حشو و زوائد تکلیف را روشن کند . به سبک و سبب فتواها . مثل اینکه طرح مسئله کرد هاند آقا در جواب تکلیف شرعی تعیین فرمود هاند .

س : آیا باید جلوی کافر را گرفت ؟

ج : اگر چنانچه یک کافری را سر خود بگذارند تا آخر عمر فساد بکند آن شدت عذاب می که برای آن لازم است پیدا میکند بسیار بالا تر از آن کسی که جلوی او را بگیرند و همین حالا بکشندش



س : تکلیف فاسد مشغول فساد چگونه است ؟
 ج : "اگر یک نفر فاسد را که مشغول فساد است بگیرند و بکشند به صلاح خودش است برای اینکه اگر زنده بماند فساد زیاد تر میکند و فساد که زیاد تر کرد عذابش در آنجا بیشتر میشود ."
 xalvat.com

س : کشته شدن فاسد مشغول فساد ، رحمت است یا زحمت ؟
 ج : "اگر امروز یک کسی که فساد در ارض میکند کشته بشود برای خودش رحمتی است به صورت تأدیب ، نه این است که این یک چیزی باشد که برخلاف رحمت باشد ."

س : ادامه حیات سران استکباری ، از نظر شرعی چه حکمی دارد ؟
 ج : "اگر امروز این سران استکباری بمیرند برای خودشان بهتر است از اینکه ده سال دیگر بمیرند ."

اینهم توضیح المسائل . دیگر تکالیف همه روشن است . جای هیچ تردیدی نمی ماند مگر "از طرف آنها که با ما مخالف هستند" که می گویند "این مخالف قرآن است" . اینها یا "آخوند های درباری" هستند یا "آخوند های بد تسراز آخوند های درباری" و یا "آنها" که بشر را پاپیال می کنند و دم از حقوق بشر می زنند "یعنی همان آمریکا . معلوم است که همه اهل زحمتند . که "اضطراب در آنها پیدا شده . مضطربند جمهوری اسلامی و این نهضت همگانی اسلامی اینها را مضطرب کرده که نمی دانند چه بگویند . هر وقت یک چیزی می گویند و این برای این است که این یک قدرت اسلامی است که یک جلوه کمی کرده است و اینها را اینطور مضطرب کرده است والا چرا باید اینطور فتنه بکنند و اینطور افترا بزنند این برای اینست که مضطربند آنها . از اسلام اضطراب دارند . از اینکه اسلام پیشبرد بکند ، اینها می ترسند . " اما اهل زحمت کور خوانده اند . نمی دانند که هر چه بکنند موجب



تقویت اهل رحمت میشود . کارهای آنها ، تشبثات مذبحخانه است . در این دنیا دویختی پس با خیال راحت بنشینیم و عین خیالمان نباشد . هرچه می خواهند بکنند و هرچه می خواهند بگویند : " اهل رحمت بدانید که این موجب تقویت شما میشود ، هرچه آنها در بوقهایشان بر ضد شما صحبت کنند دلیل بر قوت شماست و دلیل بر عظمت اسلام و عظمت جمهوری اسلامی است و این باید باعث تقویت ما بشود . آنها برای تضعیف ما اینطور بوقها را ببار می آورند . و ما از اثر این معنا چون ریشه را می داریم که چه است تقویت می شویم . . . اینها دست و پایشان را گم کرده اند و شروع کرده اند به زدن این حرفها و این موجب تقویت روحی شما و ملت ما باید بشود و جنگنده های ما بشود " . که اینطور ، ما عین رحمتیم . آنها مضطربند و از اضطراب است که بد می گویند . هر کس بد ما را بگوید دلیل خوبی ماست . از خود مان مطمئن باشیم . از خود راضی و بانمره* انضباط بیست . چنان بر حقیق که حتی مخالفت با ما هم موجب تائید ما میشود . پس هستیم در سرزمین رحمت و مصمم به مقابله برای رفع فتنه* زحمت . روحیه را از دست ندهیم .

xalvat.com

آقای سرپرست سازمان پلیس قضائی که روحیه را از دست نداده است : او هم اهل زحمت را راحت نمی گذارد و * مقدمات اجرای حد سرقه و قطع دست سارق* را فراهم میکند * به این معنا که پلیس قضائی وسیله ای که ماشین برش نام دارد و بسیار سریع عمل میکند برای قطع دست آماده کرده و از مراجع نه صلاح مثل پزشکی قانونی ، وزارت بهداشت ، دانشگاه ها ، های پزشکی دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی کمک گرفته شده است تا نظریات خود را در این رابطه اعلام نمایند که پس از وصول پاسخ آنها ، رسماً پلیس قضائی



اجرای این حد مهم رابه عهد ه می گبورد . وبعد توضیح می -
 د هد که گمان نکسید که همه سرقتها در دنیا در رابطه با فقر
 است . چون واقعا تصور نمی کنم که در جمهوری اسلام کسی
 باشد که در رابطه با تهیه نان ویا پوشاک ویا چیزهای دیگر
 این کار (یعنی سرقت) را انجام بدهد ، حتی محرومترین
 بخشهای ایران . بلکه عد های معن است که جنون سرقت
 داشته باشند . (گفتم که نیای خود کامگان ، نیای کلمات
 قصار است) این مجانبین البته که از اهل زحمتند و برای این
 است که يك قانون خوب همانطور که در اسلام است روش قاطعی
 را در برخورد با سرقت دارد . (کیهان ۳۰ آبان ۱۳۶۳)

xalvat.com

دی ۱۳۶۳



بعد التحریر: حاشیهای به بلندی متن

این بار هم رئیس جمهور است و عهد های از سر مد اران رژیم (ائمه جمعه و اعضای مجلس خبرگان) و مبعوثان خارجی شرکت کننده در سومین کنفرانس " اندیشه اسلامی " در متن منتشره در روزنامه ها (مثلاً " کیهان و بااطلاعات ") بهمن ۱۳۶۳) اشاره ای به سخنان رئیس جمهور می شود؛ خلاصه ای است که خواننده می خواند و نمی فهمد چه ربطی با حرفهای خمینی دارد . در واقع هم ارتباط آنقدرها زیاد نیست . در راد یو، حرفها کامل آمده است ؛ " رئیس جمهور " ضمن یاد ای از روزهای انقلاب (دیدار در ۱۴ بهمن صورت می گیرد یعنی چند روزیتر از سالگرد انقلاب) و تاکید بر - اینکه " همه " آن موفقیتها ، مستقیم و غیر مستقیم به وجود عزیز و مبارک " خمینی بزرگوارمان " مربوط میشود " استدعاً ما بانسه می گوید " بسیار بجاست و همه مشتاق آن هستیم کسیه از هد ایتهای حضرتعالی که همواره رهنما و دستگیر ملت ما و مسئولان کشور بوده است امروز هم در این سالگرد فرخنده " فراموش نشدن است استفاده کنیم " . ایشان هم دریغ نمی فرمایند و بعد از " السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته " آن اولی ، بسم - اللهی می گوید و شروع میکند به افاضه .

xalvat.com

برخی حرفهایتر همان حرفهای همیشگی است: داستان اصلی جهان امروز، جنگ اسلام و ضد اسلام است . اسلام " در حقیقت " یعنی جمهوری اسلامی و ضد اسلام یعنی بد - خواه جمهوری اسلامی: قدرتهای بزرگ، دستگاههای مربوط به آنها و وابستگانشان . حالا اگر اینها ضمن تبلیغاتی که می کنند اسم ایران را هم به میان می کشند " ایران مورد



نظرشان نیست . اینها خوف این را دارند که اسلام به اینطوری که هست گسترش پیدا کند و به همه مستضعفین جهان پرتو بیفتد . . . از اسلام می ترسند و حقیقتاً حمله شان به اسلام است ؛ یعنی به جمهوری اسلامی . " منتهی نمیتوانند بگویند اسلام چطور است ، می گویند ایران چطور است . لکن واقع مطلب این است که اینها اسلام را نمیخواهند " و باز هم مثل همیشه ، جملاتی که در واقع " کلمات قصار " است و زیبنده " آگهیهای مناقصه " اداره " لجیستیک " ژاندارمری کل کشور . برای مثال : " شما بروید ببینید ، این سنگرها را ببینید . مساجد است این سنگرها . این سنگرها مراکز عرفان است ، مراکز توحید است و در این مراکز که شب آنطور مشغول هستید روز هم آنطور فداکاری می کنند " . غرضشان چیست ؟ غرضشان " این جوانانی " هستند " که از دست ما گرفته بودند از دست اسلام گرفته بودند و در مراکز فحشا " برده بودند آنها را . " مراکز فحشا " خاصه یعنی مدرسه و دانشگاه همانطور که امروز می فرمایند ، سنگری یعنی مرکز عرفان آنها شبانه روزی شب " آنطور " و روز هم " اینطور " . [xalvat.com](http://www.xalvat.com)

این بار اشارات به جهان بینی عرفانی آقا ، از همیشه صریحتر است . گذشته از قضیه " سنگر " می خوانیم که در قرآن کریم ، " قصه " آدم یک قصه ، رمز است . " واضح است که این رمز را همه در نمی یابند و باید بزرگتری باشد و چرانه . مرشد / مجتهدی که رمز را برای ما بیان کند . و بعد هم در میان علوم ، " علم اعلایی " وجود دارد ، البته بالاتر از فقه ، که " علم فلسفه یا عرفان است . " حرفهای آقا را که می خوانیم کم و بیش میتوانیم حیطه عمل فقیه و فیلسوف و عارف را تعیین کنیم . فقیه میخواند . " مردم را هدایت کند " و کارش رسیدگی به امورات روزمره " مردم است . فیلسوف " توحید را به مردم " می آموزد .



و اما عارف می خواهد " مردم را به معارف الهیه دعوت کند . " پس کارش ، يك مرحله ، اگر نه چند مرحله ، بالا تر است . اینجا دیگر قضیه ، قضیه راه درست را رفتن و از خط و گناه دور - بودن نیست ، قضیه یکتاپرستی هم نیست ، بلکه داستان ، داستان " خداشناسی " است . به این علت است که عرفان " علم اعلا " است . اما این " علم اعلا " هم بی پایه ، فطیر است و پایه یعنی ریاضت و تهذیب و تزکیه نفس . چرا که این نفس اگر مهذب نباشد ، بایک خروار علم توحید و فقه و عرفان و اخلاق هم به جهنم می رود . پس باید ریاضت کشید و به تزکیه نفس پرداخت تا بلکه به ساحل نجات و رستگاری رسید ! این چاشنی عرفانی سراسر کلام آقا را در خود گرفته است . اصل صحبت او از اینجا شروع میشود که باگشودن " رمز قصه " آدم از رمز سرنوشت بشریت و رسالت جمهوری اسلامی پرده بردارد . گوش کنیم :

xalvat.com

می گوید باری تعالی به ملائک گفت می خواهم آدم را بیافرینم . ملائک گفتند " شما چرا خلق می کنید يك جمعیتی را که در زمین فساد کنند و ثبت گناه کنند " و بعد هم " به جنبه تقدس خودشان . . . نظر می کنند " و به " جنبه فساد آدم " و می گویند ما برتریم . باری تعالی می گوید شما کمالات آدم را نمی بینید و خود بین هستید . به آدم اسما را (" که واقعه اسما " الله است " و عارفانه اضافه میفرمایند که همه چیز اسما " الله است ") یاد میدهد . ملائک اسما را نمی دانند و در نتیجه " عقب نشینی می کنند " . باری تعالی " امر میکند که سجده کنند . ملائکه الله همه سجده می کنند . لکن ابلیس نمی کند " که من از آتشم و او از خاک . پس من برترم که " این جنبه خود بینی دارد " . بالاخره ابلیس تعرض میکند و " مطرود میشود " . " آنوقت خدا را تهدید میکند به اینکه به



عزت قسم . . . که اینها را نمی گذارم که اکثرشان به تو توجه کنند . ولا تجدوا اکثرهم شاکرین . " پس ابلیس از همان زمان وسوسه میکند و بشر را به گمراهی میکشاند . آنهم بیشتر افراد بشر را . " از صدر عالم این قضیه بوده است . . . این يك تعليم عمومي است که از قبل از خلقت آدم تا حالا باید برای ما عبرت باشد . . . " توجه داشته باشیم که در هر زمان و در هر مکان اکثریت افراد بشر در دام شیطان بوده اند . پس تا کنون بشر همواره در جهانی زیسته است که مظهر شیطان و شیطان زدگان (اهل رحمت) بوده است . در این جهان غیر شیطانیان ، اهل رحمت ، در اقلیتند و بهمین مناسبت هم باید به روشیهای بگوشند تا از قدرت و شوکت و جلال و جبروت شیطانیان بکاهند .

xalvat.com

رمز قصه آدم در اینست که می گوید از ابتدای خلقت ، يك جنبه تقدسی وجود داشته و يك جنبه فسادى . تقدسى و خوبى مال ملائک است و آنهم تا زمانی که از باریتعالی اطاعت محض کنند . یعنی هیچ باشند در برابر او که همه است و میل و اراده او ، میل و اراده آنها باشد . جنبه فساد یا بدى از آنجا شروع میشود که اطاعت نباشد و از " من " و " منیت " صحبت شود . ابلیس فاسد اول است و تمسرد او از خود بینی او سرچشمه می گیرد . " بدانید که ارت شیطان خود بینی است . تمام فساد هائى که در عالم واقع میشود . . . بر سر همین ارت شیطان است . . . در راه و انمیشود الا بسا اینکه این خصیصه شیطانی از بین برود . . . چه باید کرد و این میان تکلیف بشر چیست ؟ " کسی اگر بخواهد درد خودش را شخصا دوا کند باید این خصیصه را از بین ببرد . . . و بسیار مشکل است معارضه با این خصیصه . " بشر باید ریاضت بکشد و خودش را بزرگ حساب نکند " باید خودش را تهذیب کند .

" با علم درست نمیشود . " گاهی علم انسان را به جهنم می فرستد . گاهی علم توحید ، . . . علم عرفان . . . علم فقه . . . علم اخلاق انسان را به جهنم می فرستد . " تا این خصیصه خود بینی وجود دارد " زبان ، زبان شیطان است و توحید میگوید و دل ، دل شیطان است که توحید را دریافت کرده است و قلب ، قلب شیطان است که فقه را آموخته و فقه را تعلیم می کند . " پس " همه " امور لنگ است "

به این ترتیب علم فایده ندارد . " تزکیه میخواهند . بزرگبیم . تزکیه مقدم بر همه چیز است . " حالا که همه گرفتار و محتاج به تزکیه و تهذیب ، " بر عهد ه " کیست که جامعه را تهذیب کند ؟ " البته که " بر عهد ه " علماء ، بر عهد ه " دانش - مندان ، بر عهد ه " اندیشمندان ، بر عهد ه " ائمه جمعه ، بر عهد ه " مدرسین ، بر عهد ه " علمای بلاد . " اما اینها بایست اول خود را تهذیب کنند تا قلبشان که " شیطانی " است " رحمانی " بشود . چگونه می توانند به این هدف دست بیابند ؟ به این ترتیب که " توجه به خدا " کنند و " از خدا همه چیز را " بخواهند و " همه چیز را به دست او " بدانند یعنی بشوند یکپارچه اطاعت مانند آن ملائک . آنها سر و کارشان با خود باری تعالی بود و در سماوات ترتیب تهذیب خود را دادند و اینها در این کره " خاکی هستند و از باری تعالی فقط نمایندگی اثر را می شناسند ، پس از اوست که باید اطاعت کنند و از اوست که باید همه چیز را بخواهند و بر طبق میل و مراد اوست که باید گام بردارند و لام هم از کام بکشایند . پس کلید درد نیای رحمانی ، دردست آقای خقینی خود مسان است . بشتابید برای گرفتن کلید . همه " ریاضت و تزکیه و تهذیب به این ختم میشود که حرف " آقا " را گوشواره گوش کنید که ولی فقیه است . یعنی نمایندگی " تام الاختیار "



باریتعالی در این کره خاکی مطو از اهل زحمت با نفوس و قلوب شیطانیشان .
[xalvat.com](http://www.xalvat.com)

حالا " آقایان " تهذیب که شدند چه باید بکنند ؟ باید بپردازند به تهذیب جامعه . به چه نحو؟ باید مردم را " آشنا " کنند " به مسائل " و " مسائل را آنطوری که هست " به مردم بگویند . چون " فطرت اینست که وقتی چیزی را دید بخواهد " شما که " خیر و شر را به مردم بگوئید " مردم به حضرت خودشان از شر گریزان " میشوند " و به خیر توجه " می کنند . و بنابراین کارها درست میشود و همه آدمهای - شوند آدمهایی با قلب رحمانی ، سرتاپا تزکیه و تهذیب . و همه غلام حلقه بگوش و مطیع و منقاد منبع فیض اولی حضرت عارف ربانی فقیه آنچنانی و ردیف ردیف صف کشیده و آماده " هجمه " (اینهم بازیکی از آن لغت‌های ته صد و قخانه " دنیاى نمناک طلاب که هر بار سخنان حضرت امام را مزین می کند) برای دمار از روزگار اهل زحمت در آوردن .

معلوم است که مهمترین مسئله ای که " علما " باید به مردم بگویند خود اسلام است . اینجا دیگر فقیه / متمسکدی / نمایند " نفوس ملکاتی بر این کره خاکی کلامش اوج می گیرد به " سطحیات " ته می زند تا جان کلام را بیان کند ؛ شما اسلام را به مردم بگوئید . شما احکام اسلام را نروید سسراغ احکام فقط نماز و روزه . . . احکام اسلام که منحصر در این نیست . شما سوره " براءت " را برای مردم چرا نمی خوانید ؟ شما آیات قتال را چرا نمی خوانید ؟ هی آیات رحمت را می - خوانید . آن قتال هم رحمت است برای اینکه می خواهد آدم درست کند . آدم گاهی درست نمیشود مگر اینکه ، مرض گاهی صحیح نمیشود الا بالکس ، باید ببرند ، داغ کنند تا درست شوند . جامعه باید آنهایی که فاسد هستند از آن بیسرون



ریخته شوند . جنبه رحمت است همه اش . . . شما همه قرآن عمل کنید . قرآن با اشخاصی که مسلم هستند و معتقدند و ایمان به خدا دارند به برادری رفتار می کند . با اشخاصی که بر خلاف این هستند ، آنها را می گوید بکشید ، بزنید ، حبس کنید : اشد علی الکفار . شما همان طرفش را گرفتید ، زمین هم می خورید . ما اگر بنا باشد اسلام را به يك طرفش قبول داشته باشیم ، همین جنبه رحمت است ، شما اصطلاح رحمت ، من همه جنبه هایش را رحمت می دانم ، اما آنکه شما خیال می کنید که آن جنبه رحمت است که دزد ها را بیرون کنیم ، مفسد ها را بیرون کنیم ، آدمکشها را بیرون کنیم . دست بر ندرید ازینطور رحتمهایی که شما هم می کنید . اینها رحمت نیست اینها مخالف خداست . مخالفت با خداست . شما آقایان باید بگوئید مسائل را برای مردم . . . مسائلی را که خدا فرموده است بگوئید : اشد علی الکفار ، رحمت بینهم . این را باید به مردم حالی کنید که معنایش چه است

xalvat.com

قضیه را که خلاصه کنیم از این قرار می شود : آفریدگاری بود و ملائکش و اینها سراسر غرق در رحمت الهی . تا اینک آفریدگار آدم را آفرید که اشرف مخلوقات باشد . به ملائک گران آمد و بگویی کردند . ملائکی که به اشرف مخلوقات سجده آوردند همچنان غرق در رحمت ماندند و شیطان که خود بین بود و از اطاعت سرباز زد از ملکوت اعلی طرد شد و بعد هم به وسوسه میان خلاق پرداخت و اکثر آدمها را شیطانی کرد و در بند نفس . پس از آن زمان دو جهان داریم : جهان رحمانی استوار بر پایه اطاعت و تسلیم و مرکب از " اهل رحمت " و همه سر به زیر و " چشم به فرمان تویم خمینی " . و جهان شیطانی ، جولا نگاه ابلیس و مبتنی بر



خود بینی که " از اولی که حکومت در دنیا تاسیس شده است تا حالا هر فسادی واقع شده ازین خصیصه است . "

چه باید کرد ؟ روشن است : اهل زحمت باید زحمت را کم کنند آنها به همت اهل رحمت . خوب گوش کنیم : " مسأله باید چه یکنیم با آنها ؟ آنها بی که هجعه کردند به همه بلاد اسلامی و دارند همه چیز بلاد اسلامی را ازین می برند کنار بنشینیم و تعاشا کنیم ؟ ما تعاشاچی هستیم ؟ ما چه کاری به این کارها داریم ، می رویم نمازمان را می خوانیم ، روزه مان را می گیریم و تمام شد ؟ تکلیف همین است ؟ امیر-المومنین همین بود ؟ سیدالشهدا اگر این فکر را میکرد که نمی رفت کربلا با يك عده معدودی . . . این فکر غلط ما در ذهن او نبود . امیرالمومنین اگر بنا بود که می مسامحه کند ، خوب این خلاف کرد که شمشیر بکشد هفتصد نفر را یکدفعه بکشد ، تا آخر آن اشخاصی که قیام کرده بودند بر-ضدش تا آخر ضد اسلام بود دیگر ، تا آخرشان را کشت ، الا چند نفر که فرار کردند . و بعد هم آمدند آن فساد را کردند . . . خیال نکنید که اسلام . . . نماز و روزه است فقط . اگر اینطور بود پیغمبر هم می نشست توی مسجدش و نماز می خواند . چرا از اول عمرش تا آخر زحمت کشید ، جنگ کرد ، زد و خورد کرد ، شکست خورد ، شکست داد تا مسائل را آن قبیل که می توانست عمل کرد . . . منطلق انبیا این است که اشد باید باشد برکفار و برکسانی که برضد بشریت هستند . و خیلی خودشان را هم رحیم می دانند . این شدت هم رحمت است بر آنها "

xalvat.com

سالهای پیش از چهل و دو است . در شهر قم در یکی از ایام عید . چند نفری نشسته اند در محضر " آقا " . گل می-



گویند و گل می شنوند . آقا هم چه لفظ قلم صحبت میفرمایند .
 بلیغ و فصیح و ادبیانه و بیگانه با هر نوع لهجه عوام پسند و
 شکسته گویی مثل لهجه کلام خطابه های امروزش . از هر
 دری سخنی می رود تا به اوضاع زمانه می رسد . حاضری می-
 گوید " ایوان را فساد گرفته است ، چرا حضرتعالی همستی
 نمی کنید که اوضاع اصلاح شود " و جواب می شنود : " ایوان
 را فساد گرفته است ؟ نه . دنیا را فساد گرفته است . این
 دنیا را باید اصلاح کرد ؟ نه ، نابود باید کرد " و بعد
 استدلال ادامه می یابد : اصلاح آباد کردن امری است
 ثانوی . وظیفه ما ، نابود کردن فساد است و نه اصلاح .
 بعد مثالی می زند : در اینجا مرد این داریم عفن که بسوی
 عفونتش مشام را آزار می دهد . اینطرف مرداب و آن طرف هم
 چشمه ای سرشار از آب زلال . چه باید کرد ؟ باید این
 چشمه را به آن مرداب سرازیر کرد تا اصلاح شود نه باید
 مرداب را برانداخت ، خشکاند ، ریشه کن کرد . " نابود باید
 کرد " . " وظیفه ما خراب کردن است " آنطرف را . دنیای
 زحمت را . دنیای شیطان و شیطان زدگان را .

salvat.com

بهمن ۱۳۶۳



بازهم بعد التحریر :

بلاخره باید این چند کلمه را هم اضافه کنیم . برای ضبط در تاریخ آنهم پس از تردید بسیار از بابت " یکی را که در بند . . . " اما واقعیتی است که دیگر نمیشود . فکرش را بکنید: حمد وثنا و آستانبوسی تا به کجا باید باشد که شاعر / نویسنده / نظریه پرداز / مترجم / مورخ خلاصه در یک کلام علامسه در یالکتیک حضرت احسان طبری را ام اقباله در مدح سخنرانی " امام " شعر گوید تحت عنوان " داستانی در چند سطر " و در مقدمه زندگینامه مبارکش به چاپ رساند (اطلاعات ۱۷ و ۱۸ بهمن ۱۳۶۳) . " شعر " را بخوانیم :

xalvat.com

خود پسندی از خدا غافل میکند
 جدایی از خدا جدایی از مردم است
 گسست از مردم مایه بیکاری است
 از بیکاری پر حرفی می زاید
 از پر حرفی اختلاف پدید می آید
 اختلاف به ضعف ، انشعاب و دشمنی میرسد
 تمام تاریخ جمعی ما
 بین این قطبهای شیطانی چرخیده
 اعصاب خسته شد
 خصایل به انحطاط کشید
 و سخن و احساس کسانی که دیگر می خواستند
 در این غوغا گم شد!
 و در آن هنگام که مثنی خود خواهان عصبی
 به خود مشغول بودند
 خورشید انقلاب اسلامی درخشید

شعاع سوزانش

تند یسهای یخ بسته خود خواهی را

xalvat.com

گداخت

.....

چنین است آغاز و انجام داستانی ملال انگیز
داستان واکنش زنجیره ای تا ترکش انهدام آمیز

پس از آن " اشعار " درباره " جنگ میهنی " ایران و
عراق معلوم است که " آمپولهای اعتراف آور " جمهوری اسلامی
طبع شعر را هم به کار می اندازد . حتما " آقای کیانسوری
عنقریب شاهنامه خواهد سرود ! چرا که نه !

به نظریه " جدید بیکاری علامه توجه فرمایید : بیکاری
ناشی از جدایی مردم است . و این بیکاری باعث وراجی می-
شود (آدمهای بیکار پرحرفند) و این وراجی باعث اختلاف
(دارند د وگوش و یک دهانت ز آغاز . . .) و اختلاف باعث
انشعاب . . . و همینطور . . . اما خوشبختانه خورشید
انقلاب اسلامی می درخشد (همان فلسفه " آینده با
ماست " و " پایان خوش " جهان بینی هولیودی فیلمهای
آمریکایی) و " تند یسهای یخ بسته خود خواهی را می-
گدازد . اعوذ بالله من الشیطان الرجیم . تکبیر . تا
" خمینی رهبر " و " طبری شاعر (به فتح عین)

پس از ماتریالیسم تلغنی آقای کیانوری که همه " مسئولیت-
های حزب توده را در جریان نفت و ۲۸ مرد اد بایک تلغن (یا
چند تا ؟) روز ۲۸ مرد را راست وریس میکرد حالا به ماتریالیسم/
اید ایسم تاریخی آقای طبری می رسیم که این کلام " امام " منبعث
میشود که " همه " فساد هایی که در عالم واقع میشود " از خود بینی ،
این ارت شیطان است . شاعر هم می افزاید حتی بیکاری !
آستانبوسی هم جدی دارد !